

منتخب اعمال و مناسك حج

مؤسسه فرهنگي فقه الثقلين

پاسخگویی به مسائل حج
تلفن: ۲ - ۷۸۳۱۶۶۰ همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

پست الکترونیک:
پاسخ به استفتائات Istifta@saanei.org
تماس با دفتر معظّم له Saanei@saanei.org
تهیه کتاب Info@saanei.org

آدرس اینترنت: www.saanei.org

پاسخ به مسائل شرعی

دفتر حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله العالی
دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹
۷۸۳۱۶۶۲ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۰
نمابر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵۱
نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲
نمابر: ۲۲۲۲۵۷۷ - ۰۵۱۱

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰
نمابر: ۴۴۶۳۳۹۱ - ۰۳۱۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴
نمابر: ۲۲۲۶۷۰۰ - ۰۷۱۱

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰
نمابر: ۲۲۵۹۷۷۷ - ۰۸۶۱

صانعی، یوسف، ۱۳۱۶ -
منتخب اعمال و مناسک حج / مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی حاج
شیخ یوسف صانعی. - قم: میثم تمار، ۱۳۸۵.
ISBN 964-5598-86-9. ص. ۱۶۰
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. حج. ۲. فقه جعفری - رساله عملیه. الف. عنوان.
۸ م ۲۵ / ۸ / ۱۸۸ BP ۲۹۷/۳۵۷
کتابخانه ملی ایران ۱۶۱۸۸ - ۸۵ م

انتشارات میثم تمار

منتخب اعمال و مناسک حج

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر
حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی

ناشر: انتشارات میثم تمار ● لیتوگرافی: نویس
چاپ و صحافی: زیتون ● نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۸۵
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه ● بها: ۸۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه هشتم، پلاک ۸
صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفکس: ۷۷۳۲۹۸۲

www.m-tammar.ir

فهرست مطالب

فهرست مطالب

مقدمه ... ۹

- بخش اول: مناسک حج ... ۱۳
 - صورت اجمالی عمره مفرده ... ۱۵
 - صورت اجمالی عمره تمتع و حج تمتع ... ۱۶
 - واجبات احرام ... ۱۸
 - مستحبات احرام ... ۱۹
 - محرمات و تروك احرام ... ۲۱
 - الف - محرمات مشترك بين مرد و زن ... ۲۱
 - ب - محرمات ويژه مردان ... ۲۲
 - ج - محرمات ويژه زنان ... ۲۲
 - شرائط استطاعت ... ۲۳
 - نيابت ... ۲۶
 - احرام، ميقات ... ۳۰
 - محرمات احرام ... ۳۶
 - طواف ... ۴۳
 - نماز طواف ... ۵۳
 - سعي بين صفا و مروه ... ۵۶
 - تقصير ... ۶۰
 - موارد عدول به حج افراد ... ۶۱
 - احرام حج تمتع ... ۶۱
 - وقوف در عرفات و مشعر ... ۶۲
 - اعمال منى ... ۶۳
 - طواف نساء ... ۷۰
 - مسائل متفرقه ... ۷۱
- بخش دوم: دعای اشواط طواف و سعی ... ۸۳
 - دعای اشواط طواف ... ۸۵
 - دعای دور اول: ... ۸۵

دعای دور دوم : ۸۶...

دعای دور سوم : ۸۶...

دعای دور چهارم ۸۷...

دعای دور پنجم : ۸۷...

دعای دور ششم : ۸۸...

دعای دور هفتم : ۸۸...

دعای اشواط سعی ۸۹...

دعای دور اول از صفا به مروه ۸۹...

دعای دور دوم از مروه به صفا ۹۰...

دعای دور سوم از صفا به مروه ۹۱...

دعای دور چهارم از مروه به صفا ۹۲...

دعای دور پنجم از صفا به مروه ۹۳...

دعای دور ششم از مروه به صفا ۹۴...

دعای دور هفتم از صفا به مروه ۹۵...

بخش سوم : اعمال و آداب مدینه منوره ۹۷... ●

اعمال و آداب مدینه منوره ۹۹...

آداب زیارت ۱۰۰...

اذن دخول جهت زیارت ۱۰۲...

زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) ۱۰۳...

زیارت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۱۰۶...

زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) ۱۱۰...

زیارت امام حسن مجتبی (علیه السلام) ۱۱۳...

زیارت امام زین العابدین (علیه السلام) ۱۱۳...

زیارت امام محمد باقر (علیه السلام) ۱۱۵...

زیارت امام صادق (علیه السلام) ۱۱۶...

زیارت جامعه کبیره ۱۱۷...

زیارت امین الله ۱۲۶...

دعای عالیة المضمین ۱۲۸...

زیارت حضرت حمزه (علیه السلام) ۱۳۲...

زیارت وداع رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) ۱۳۵...

زیارت وداع ائمه بقیع (علیهم السلام) ۱۳۵...

دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه ۱۳۶...

دعای کمیل ۱۵۱...

مقدمه

مقدمه

«کعبه» مخزن اسرار و معدن ابرار است، «کعبه» قلب معنا و پرورنده‌ی باطن هاست. «کعبه» قلب عمود دین، نماز است، مصلی به قیام آن، رشته‌ی بندگی و عبودیت خویش را به کعبه اتصال می‌دهد تا برترین عمل و بهترین نُسْک معنوی، با آن درآمیزد. «کعبه» خانه الله است که به جان‌ها صفا و به خاطرها جلاست.

«حج» که یکی از بزرگترین شعائر دین اسلام است در قرب قرین این بیت عتیق تجلی پیدا می‌کند. «حج» رکن اساسی اسلام است که در آن روح و جوهره اش استحکام باورهای اعتقادی و عملی انسان و تقویت معرفت‌شناسی نسبت به خداوند تعالی است.

«حج» تجلی عظیم شعائر دینی و میعادگاه عابدان و عاشقان خداوندی است که بندگان از آن شفای قلوب و دواي ذنوب برمی‌گیرند.

«حج» به واقع آخرین منزل قرب است که همگان می‌توانند در این زندگی دینوی بدان راه یابند و اعمال و افعال و اذکار طریقت خویش را با دریافت معنوی از صلات و نُسْک آن قرین و منطبق نمایند، اعمال و مناسکی که با صبغهی حج ابراهیمی، ظاهر و باطن آدمی را آراسته و با دین حنیف پیوند می‌دهد، دینی که از او نقش و نگار دنیوی رسته و به حقیقت معنوی و روحانی کمال یافته است. در «حج» تمام مسلمین حلقه زنان به گرد اضلعی در آیند که از يك سو در اعماق قلوب

آنان جای داشته و از سوی دیگر تا عرش الهی امتداد پیدا کرده است.

پیوند فرشیان با عرشیان آن هم در موسم حج، تجلی بزرگ رابطه خلق با خالق یکتاست. پیوند این اکبر خلقت که به دنبال وحدتی در بین آحادند، صحنه ای زیبا و گویا را از حشر و نشر عقبی در اذهان تداعی می کند که ارمغان آن قرب به لقای حق در بیت امنِ اله و دیار هبوط آدم پیغمبر و ظهور و بعثت خاتم انبیاست. دیاری که در آن جز خیر و برکت دیدگان را نمی ساید و فضایی به جز بوی معطر بندگی بی آرایش ندارد.

امید آن که زائرین محترم از این کنگره ی بزرگ اسلامی، کمال استفاده را برده و فرصت را غنیمت شمرده و در جهت رشد و تعالی اخلاق و تهذیب نفس بکوشند، و ما و تمامی مؤمنین را از دعای خیر خود بهره مند نمایند. شایان ذکر است، کتاب منتخب اعمال و مناسک حج که با برخی آداب و ادعیه مدینه منوره نیز همراه است، توسط مرکز تحقیقات مؤسسه فرهنگی هنری فقه الثقلین تهیه و تدوین شده، و با اختصار گویی در مسائل، به متن برخی نظرات و آراء متفرد حضرت آیه الله العظمی صانعی - دام ظلّه - که با آخرین فتاوی فقهی ایشان در باب مسائل حج تطبیق یافته، تقدیم خوانندگان عزیز می گردد.

در پایان به درگاه خداوند متعال سر می سپاریم و برای الطاف بی کرانش شکر می کنیم.

مؤسسه فرهنگی - هنری

فقه الثقلین

بخش اول: مناسك حج

بخش اول مناسك حج

سفید

صورت اجمالی عمره مفرده

در عمره مفرده هفت چیز واجب است:

۱. احرام از میقات یا اَذْنَى الْجَلِّ;
۲. طواف خانه خدا;
۳. دو رکعت نماز طواف;
۴. سعی بین صفا و مروه;
۵. تقصیر یا حلق;
۶. طواف نساء;
۷. نماز طواف نساء.

صورت اجمالی عمره تمتع و حج تمتع

حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع، و عمره تمتع مقدم بر حج تمتع است.

در عمره تمتع، پنج چیز واجب است:

اول: احرام از یکی از مواقیت;

دوم: طواف;

سوم: نماز طواف;

چهارم: سعی بین صفا و مروه;

پنجم: تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.

چون محرم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطه احرام بستن حرام شده بود، حلال می شود، به غیر از صید در حرم که در هر صورت به خاطر حرم، حرام است.

و در حج تمتع سیزده چیز واجب است:

اول: احرام بستن از مکه معظمه;

دوم: وقوف (بودن) در عرفات روز عرفه (نهم ذی الحجة);

سوم: وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه);

چهارم: انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی روز عید
قربان;

پنجم: قربانی کردن در منی;

ششم: تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی;

هفتم: طواف زیارت;

هشتم: خواندن دو رکعت نماز طواف;

نهم: سعی بین صفا و مروه;

دهم: طواف نساء;

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء;

دوازدهم: بیتوته (ماندن شب) در منی در شبهای یازدهم و

دوازدهم: و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص در بعضی صور;

سیزدهم: رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم، و

اشخاصی که شب سیزدهم در منی می مانند، روز سیزدهم باید

رمی جمرات کنند.

واجبات إحرام

برای مُحَرِّم شدن سه امر واجب است :

۱ - پوشیدن دو قطعه لباس إحرام (لنگ و ردا).

۲ - نیت: در نیت باید به دو نکته توجه شود:

الف: قربةً الى الله باشد; یعنی با نیت خالص برای اطاعت خداوند تعالی محرم شود.

ب: تعیین نوع إحرام که برای عمره، حج، برای خود یا به نیابت است.

۳ - تلبیه: که گفتن این ذکر شریف می باشد:

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

مستحبات إحرام

۱ - غسل: مستحب است قبل از إحرام، به قصد إحرام غسل کنند، و بهتر است که بعد از اداء نماز فریضه إحرام ببندند.

شیخ صدوق فرموده: مستحب است این دعا هنگام غسل إحرام خوانده شود:

«بِسْمِ اللَّهِ وَيَا اللَّهَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّتِكَ وَمِدْحَتِكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لِقُوَّةٌ لِي إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِإِمْرِكَ، وَالِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

سپس جامه های احرام را پوشیده و این دعا را بخواند:

« الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْزِي، وَأُوَدِّي فِيهِ فَرْضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَتْهُ فَبَلَّغَنِي، وَأَرَدْتَهُ فَأَعَانَنِي وَقِيلَنِي، وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَدُخْرِي وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي»

و مستحب است بعد از تلبیه واجب بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلِيَةِ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ ذَا
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِئُ وَالْمُعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ
تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

و خوب است این جملات را نیز بگوید:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةً إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ
التَّلِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلِيَةَ تَمَامُهَا وَبِلَاغُهَا عَلَيْكَ».

محرمات و تروك احرام

الف - محرمات مشترك بين مرد و زن

۱. شکار حیوان صحرايي
۲. آمیزش و کامجویی جنسی
۳. عقد ازدواج و گواه شدن بر عقد ازدواج
۴. استمنا
۵. استعمال بوی خوش
۶. سرمه کشیدن
۷. نگاه کردن در آینه
۸. فسوق
۹. جدال
۱۰. کشتن حشرات ساکن در بدن
۱۱. انگشتر به دست کردن به قصد زینت
۱۲. روغن مالیدن به بدن
۱۳. ازاله مو از بدن خود یا دیگری
۱۴. بیرون آوردن خون از بدن
۱۵. ناخن گرفتن
۱۶. کندن دندان
۱۷. کندن و بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده
۱۸. سلاح در برداشتن

ب - محرمات ویژه مردان

۱. پوشیدن لباس دوخته
۲. پوشیدن جوراب، چکمه، گیوه و کفش
۳. پوشانیدن سر
۴. سایه قرار دادن بالای سر خود

ج - محرمات ویژه زنان

۱. پوشیدن زیور به قصد زینت
۲. پوشانیدن صورت

شرائط استطاعت

(مسئله ۱) کسانی که با فیش میّت و به نیابت از وی به حج می روند اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت بجز بازبودن راه را دارا باشند، (که آن هم با فیش حج میّت حاصل شده)، در این صورت استطاعت برایش حاصل نشده، چون در استطاعت غیر از مال و سلامتی بدن و بودن وقت، باز بودن راه از طریق مشروع و حلال نیز شرط است، آری، اگر از ناحیه صاحبان فیش و کسانی که فیش را به او داده اند اجازه به جا آوردن حج و اجیر گرفتن از مدینه یا جدّه برای متوفی به او داده باشند، در این صورت نه تنها چنین کاری جایز است، بلکه باید نایب بگیرد و اگر خودش برای میّت حج به جا آورد، حجّش به طور کلی باطل است یعنی نه برای میّت صحیح است و نه برای خودش.

(مسئله ۲) شرط است در وجوب حج، علاوه برداشتن هزینه رفتن و برگشتن و مصارف حج، هزینه ضروریات زندگی و آنچه را در معیشت به آن نیاز دارد، داشته باشد؛ «از قبیل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آنها»، در حدی که مناسب با شأن او باشد و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه نماید، داشته باشد. همچنین هزینه سوغاتها و مخارج پذیرایی را، که ترکش باعث شرمندگی او می شود، نیز داشته باشد.

(مسئله ۳) کسی که استطاعت حج را دارد، باید خرجهای مقدماتی را از قبیل تهیه گذرنامه، ویزا، ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد، و این خرجها موجب ساقط شدن حج نمی شود، ولی اگر استطاعت این گونه مخارج را نداشته باشد، مستطیع نیست.

(مسئله ۴) زنی که مهریه اش به مقدار هزینه حج است و آن را از شوهر خود طلبکار است، اگر شوهرش توان پرداخت آن

را ندارد زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست، و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای زن هیچ گونه زحمت و درد سری ندارد و مرد هم به راحتی آن را می پرازد، زن مستطیع است و لازم است مهریه خود را مطالبه کند و به حج برود.

(مسئله ۵) اگر کسی که خیال می کرده مستطیع نیست، به نیت عمره و حج استحبابی مُحرم شود و اعمال عمره تمتع را انجام دهد بعد در مکه معلوم شود مستطیع بوده است، کفایت عمره تمتع او خالی از وجه نیست و باید پس از اعمال عمره تمتع به نیت وجوب برای اعمال حج تمتع مُحرم گردد، کما اینکه اگر بعد از فراغت از اعمال حج تمتع هم متوجه شود که مستطیع بوده، حَجَّش صحیح و مجزی از حجة الاسلام می باشد.

(مسئله ۶) اگر کسی در وقت ازدواج به همسر خود وعده يك سفر حج بدهد، پس، اگر به عنوان مهریه باشد، باید به آن عمل کند و اگر فقط وعده باشد، ادای آن لازم نیست، گرچه مطلوب و مطابق با احتیاط است.

(مسئله ۷) حج بذلی از حجة الاسلام کفایت می کند، و اگر در آینده متمکن شد به جا آوردن حج واجب نیست.

(مسئله ۸) کسی که از راه کسب یا غیر آن مخارج رفت و برگشت و مخارج عائله خود را در وقت حج دارد و پس از برگشت نیاز به وجوه شرعیّه دارد مستطیع بوده، و بر او اتیان حج واجب است، پس بر طَلابی که با مثل شهریه اداره می شوند، حج واجب است و در صدق عرفی استطاعت، بین مثل شهریه و اخماس و زکوات که به عنوان فقر و استحقاق داده می شوند و به ادای آنها غالباً اطمینان وجود ندارد، فرق است، و اگر این اشخاص پس از بازگشت نیاز به سؤال و درخواست کمک از دیگران دارند مستطیع نمی باشند.

(مسئله ۹) کسانی که در سفر حج برای خدمت رانندگی، خبرنگاری، و یابه عنوان روحانی، ناظر و پزشک با مأموریت به میقات آمده اند و در میقات، همه شرایط را دارا هستند، واجب است حجة الاسلام به جا آورند، در صورتی که رجوع به کفایت را هم دارا باشد، هر چند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند.

نیابت

(مسئله ۱۰) نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوبٌ عنه را در نیت تعیین کند، ولو اجمالاً، و لازم نیست اسم منوبٌ عنه را ذکر کند، بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهده منوب عنه است انجام دهد، صحیح است، گرچه تعیین منوبٌ عنه مستحب است.

(مسئله ۱۱) نایب در طواف نساء باید مانند بقیه اعمال، به قصد منوب عنه آن را بیاورد و اگر آن را نیاورد یا صحیحاً انجام ندهد، زن بر او حلال نمی شود.

(مسئله ۱۲) برای کسانی که در حال اجیر شدن از معذورین نبوده اند و بعد از قبول نیابت و عقد اجاره، در موقع اعمال یا قبل از محرم شدن در جایی که فسخ عقد اجاره موجب ضرر معتدبه به مستأجر باشد (اگر او بخواهد ضرر را جبران نماید و اجیر برگردد و عمل را تمام ننماید)، و یا موجب ضرر معتدبه به اجیر باشد (اگر او بخواهد جبران کند و عمل را تمام نکند و نیاورد)، جزو معذورین شده اند، صحت نیابت و کفایت از حج منوب عنه به حکم لاضرر و به حکم «کلما غلب الله علیه فهو اولی بالعذر» خالی از وجه نمی باشد، اما اگر قبل از آن باشد اجاره خود به خود به خاطر عدم قدرت اجیر بر انجام وظیفه منوب عنه که معذور نبوده باطل است و نیابت از بین رفته می باشد.

(مسئله ۱۳) نایب شدن معذور در حج واجب، صحیح نیست ولی نیابت تبرّعی در حج مستحبی مانعی ندارد، چرا که در آن عدم عذر شرط نیست. ولی اگر باب استیجار و نیابت باشد، باید نایب قبل از عقد اجاره، عذر خود را تذکر دهد چون متعارف در اجاره حج، حج کامل و غیر معذور است.

(مسئله ۱۴) شخصی که فقط از راه رفتن معذور است، می تواند نایب شود و با چرخ طواف و سعی را انجام دهد و چنین افرادی از معذورین نمی باشند، چون طواف و سعی با چرخ، با قدرت بر راه رفتن هم صحیح است.

(مسئله ۱۵) اجیر شدن و نیابت بر زنان - با اینکه در شب دهم با درك وقوف اضطراری مشعر از آنجا کوچ می نمائید و رمی را در شب دهم انجام می دهند - جایز و صحیح است.

(مسئله ۱۶) در حج واجب، نیابت از طرف شخص زنده جایز نیست، مگر اینکه منوب عنه از به جا آوردن اعمال حج عاجز

باشد (در صورتی که حج بر منوب عنه مستقر شده باشد)، اما نیابت در حج مستحبی از شخصی که در حال حیات است جایز است و ثواب بسیاری دارد.

(س ۱۷) معلولی که تنها يك دست یا يك پا ندارد و به جز نقص در مواضع سجده، مشکلی از نظر اعمال اختیاری حج ندارد، آیا نیابت او برای حج کفایت می‌کند؟

ج - نیابت این‌گونه اشخاص در حج واجب که خارج از قدر متیقن ادله نیابت است محل اشکال می‌باشد و احتیاط واجب در ترك است.

(مسئله ۱۸) نذر احرام قبل از میقات، برای نایب اشکالی ندارد.

(مسئله ۱۹) لازم نیست نایب همجنس منوبٌ عنه باشد، پس نایب شدن مرد برای زن و زن برای مرد مانعی ندارد. «فرب امرأة أفقه من رجل».

(مسئله ۲۰) اگر نایب پس از احرام و دخول در حرم بمیرد، مجزی از منوب عنه می‌باشد و مستحق تمام اجرت است، و همچنین اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد، مستحق تمام اجرت است و مجزی هم می‌باشد.

(مسئله ۲۱) کسانی که استطاعت برای عمره مفرده داشته باشند و برای حج استطاعت نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب است، بنابراین، اشخاصی که به عنوان نیابت به حج می‌روند اگر سال اول آنها باشد، باید بعد از تمام شدن اعمال حجشان برای خودشان عمره مفرده به جا آورند، چون آنها در آنجا استطاعت عمره مفرده را دارند.

احرام، میقات

(مسئله ۲۲) احرام بستن از داخل مسجد شجره واجب نیست و از خارج مسجد، تا حدودی که جزء ذوالحلیفه محسوب می‌شود، احرام جایز و صحیح است. بنابراین، احرام از بیرون مسجد و محل توقفهای ماشین و محل دست فروشها و خیابانهای مجاور و نزدیک مسجد که جزء ذوالحلیفه است، قطعاً کافی است.

(مسئله ۲۳) ادنی الحَلّ میقات کسانی است که مرورشان به یکی از مواقیت معروفه یا محاذی آنها نباشد و همچنین میقات کسانی که حج افراد و یا حج قیران به جا می آورند و یا در مکه بخواهند عمره مفرده یا عمره تمتع انجام دهند که باید از ادنی الحَلّ محرم گردند، و افضل آن است که از تنعیم باشد.

(مسئله ۲۴) اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود و حج افراد به جا آورد و بعد از آن عمره مفرده انجام دهد و این حج از حجة الاسلام او کفایت می کند، ولی اگر در زمانی کشف خلاف شد، که امکان به جا آوردن اعمال عمره تمتع را داشت، واجب است به عمره تمتع عدول کند و بعد از آن حج تمتع که حجة الاسلام او می باشد، به جا آورد.

(مسئله ۲۵) کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و تا زمان حج در مکه مانده است، برای احرام عمره تمتع، بنا بر احتیاط باید به میقاتی که از آن عبور کرده برود و از آنجا محرم شود، هر چند اکتفا به ادنی الحَلّ برای این گونه افراد خالی از قوت نیست، چون مواقیت معروفه میقات کسی است که از آنها یا محاذی آن عبور می کند نه آنکه موضوعیت داشته و شرط صحت باشد.

(مسئله ۲۶) شاغلین در جده یا کسانی که از راه جده می خواهند برای عمره تمتع یا عمره مفرده به مکه بروند می توانند از ادنی الحَلّ مثل مسجد تنعیم یا حدیبیه محرم شوند چون مواقیت معروفه، میقات کسانی است که از آنها عبور می نمایند و همین طور محاذات میقات نیز میقات برای عبور کننده از آن می باشد و چون جده محاذاتش هم معلوم نمی باشد، فلذا احرام از ادنی الحَلّ برای آنها کفایت می کند و لازم نیست تغییر مسیر داده و به جحفه بروند و محرم شوند.

(مسئله ۲۷) کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه می شود اگر احرامش در ماههای حج^۱ بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع به جا آورد.

(س ۲۸) کسی که عمره تمتع استحبابی به جا آورده، آیا می تواند بدون عذر و به دلخواه خود، آن را رها کرده و حج تمتع به جا نیآورد؟ و در فرض جواز، آیا انجام طواف نساء نیز لازم است یا نه؟

ج - مانعی ندارد، فقط ثواب حج از دستش رفته است و با تقصیر از احرام خارج شده و عمره اش خاتمه پیدا کرده و طواف نساء هم که از اول لازم نبوده، تا فعلاً لازم باشد، گرچه احتیاط مستحب در آوردن طواف نساء می باشد.

(مسئله ۲۹) پس از انجام عمره تمتع مطلوب است که انسان برای اعمال حج تمتع در مکه بماند، پس اگر ضرورت و حاجتی نباشد بیرون نرفتن اولی و احوط است. آری، در زمانی که می ترسد اگر بیرون برود به حج تمتع و وقوف اختیاری عرفه نمی رسد، نباید بیرون برود.

(مسئله ۳۰) بعد از اتمام حج تمتع، اگر شخص از مکه خارج شود و قبل از آنکه يك ماه از خروجش بگذرد بخواهد مجدداً مراجعت کند، لازم نیست محرم شود، بنابراین، می تواند بدون احرام داخل حرم شود. کما اینکه می تواند به قصد عمره مفرده هم محرم شود، و در صورت گذشت يك ماه از خروجش از مکه در صورتی که قصد ورود به حرم و مکه را دارد لازم است که به نیت عمره مفرده محرم گردد و وارد حرم شود.

(مسئله ۳۱) آنچه در لباس نمازگزار شرط است در لباس های احرام نیز شرط است، بنابراین احرام در لباس حریر و لباسی که از اجزای حیوان حرام گوشت است، کفایت نمی کند؛ و بنا بر احتیاط مستحب، طواف کننده از نجاساتی که در نماز عفو شده (مثل خون کمتر از در هم و جامه ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب) اجتناب کند.

۱. ماههای حج عبارت اند از: شوال، ذی قعدة، ذی حجة.

(مسئله ۳۲) گره زدن لباس احرام مانعی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که لباسی را که لنگ قراردادده به گردن گره نزنند، و قرار دادن سنگ و یا چیز دیگر در لباس احرام و بستن آن با کش یا وسیله دیگر به احرام ضرر نمی‌رساند، و احوط ترك وصل کردن لباس احرام با سنجاق و سوزن است، لیکن اقوی جواز وصل همه آنها است چون دوخته شده نمی‌باشد، ولی نباید به نحوی باشد که شبیه لباس دوخته شده محسوب شود.

(مسئله ۳۳) لازم است جامه ای را که شخص لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد، به طوری که بدن نما باشد، و احتیاط مستحب آن است که رداء هم بدن نما نباشد؛ و احتیاط مستحب آن است که رداء شانه‌ها را پوشانده و لنگ هم ناف و زانو را بپوشاند.

(مسئله ۳۴) پوشیدن بیش از دو لباس احرام، مانعی ندارد، پس شخص محرم می‌تواند به علت سردی هوا یا قصد دیگری، بیش از دو جامه احرام بپوشد.

(مسئله ۳۵) بنابر احتیاط واجب، اگر در حال احرام، لباسهای احرام نجس شد، آنها را تطهیر یا تعویض نماید، و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام، اگر نجس شود، لیکن اگر کسی جامه احرام را تطهیر نکند، کفاره ندارد.

(مسئله ۳۶) مستحب است پیش از احرام، در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و این غسل احرام و تمام اغسال مستحبه و واجبه، از وضو کفایت می‌کند. و تقدیم این غسل، بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب پیدا نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب پیدا شد، مستحب است غسل را اعاده نماید. کما اینکه بدون عذر هم می‌تواند قبل از رسیدن به میقات در هتل غسل نماید، لیکن باید تا میقات و تلبیه گفتن و محرم شدن، غسلش را حفظ نماید.

(مسئله ۳۷) در نیت عمره تمتع نه خطور به قلب لازم است و نه به زبان آوردن، بلکه مانند سایر عبادات داشتن همان انگیزه الهی و انجام وظیفه دینی، کافی است، و ناگفته نماند به زبان آوردن نیت عمره تمتع مانند به زبان آوردن

نیت حج تمتع و حج افراد و قران مستحب می باشد، بلکه گفته شده به زبان آوردن نیت در تک تک اعمال آنها هم مستحب است.

(مسئله ۳۸) صورت تلبیه بنا بر اصح آن است که بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»، و اگر به این مقدار اکتفا کند، محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که بعد از آن بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

(مسئله ۳۹) اگر کسی تلبیه را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم مسئله، آن را نگفت و از میقات عبور کرد، واجب است در صورت امکان به میقات برگردد و در آن جا لبیک را بگوید، و اگر نمی تواند برگردد و داخل حرم نشده، همان جا تلبیه را بگوید، ولی اگر داخل حرم شده، در این صورت به خارج از حرم و ادنی الحل برگردد و لبیک را بگوید و اگر نمی تواند به خارج حرم برگردد از همان جا محرم شود، و اگر بعد از پایان اعمال بفهمد که تلبیه را فراموش کرده عملش صحیح و مجزی است.

محرمات احرام

(مسئله ۴۰) کشتن ملخ در حال احرام، حرام است و مواظبت نمودن به طوری که زیر دست و پا کشته نشود، واجب است، و در صورت عدم مراقبت و کشته شدن ملخ، احتیاط مستحب آن است که پنجاه گرم طعام که تقریباً يك مُثْت می شود، صدقه بدهد.

(مسئله ۴۱) اگر بدن یا لباس محرم به چیزهای خوشبو اصابت کند، باید بوی خوش را از آن با شستن برطرف نماید، یا لباس احرام را عوض کند.

(مسئله ۴۲) محرم از صابون، شامپوهای خوشبو و معطر و خمیر دندان که دارای بوی خوش می باشند، باید اجتناب نماید و همچنین استعمال چیزهای خوشبو مانند مشک، زعفران و عود، حرام است، به خوردن باشد یا بوئیدن.

(مسئله ۴۳) از میوه های خوشبو، مانند سیب، برتقال اجتناب لازم نیست و خوردن آنها و بوئیدن آنها مانعی ندارد، لیکن احتیاط آن است که از بوئیدن آنها، حتی در حال خوردن اجتناب کند.

(مسئله ۴۴) مشهور آن است که استفاده از خلوق کعبه (آن چیزی که کعبه را با آن خوشبو می کنند) حرام نیست، و همچنین اجتناب از عطری که کعبه را با آن خوشبو می کنند گرچه خلوق نباشد، لازم نیست.

(مسئله ۴۵) نگاه کردن به دوربین عکاسی در موقع عکس گرفتن در حال احرام، جایز است، چون معلوم نیست که به آینه نگاه می کند و اگر معلوم هم باشد چون به قصد زینت نیست، جایز است.

(مسئله ۴۶) اگر در اتاقی که شخص مُحرم سکونت دارد، آینه باشد و می داند که گاهی چشم او بی اختیار به آن می افتد ظاهراً اشکال ندارد، لیکن احتیاط آن است که آینه را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

(مسئله ۴۷) مالیدن هر نوع کِرم به بدن در حکم مالیدن روغن به بدن است که بدون ضرورت و نیاز طبّی بر محرم حرام است، اگرچه بوی خوش در آن نباشد.

(مسئله ۴۸) جایز است مُحرم سر یا بدن خود را بخاراند، ولی باید به گونه ای باشد که نه خون خارج گردد و نه مویی از بدن او کنده شود.

(س ۴۹) آیا در حال احرام می توان دندانی را که شدیداً درد دارد کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج - اگر درد دندان او را اذیت می کند، مانعی ندارد آن را بکشد، ولی بنابر احتیاط کفاره آن را بدهد و کفاره آن يك گوسفند بدهد.

(مسئله ۵۰) تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد، ولی اگر موجب آمدن خون از بدن می شود، حرام است؛ مگر در مورد حاجت و ضرورت.

(مسئله ۵۱) مسواک نمودن در حال احرام اگر بداند سبب بیرون آمدن خون از لثه ها می گردد، حرام است.

(مسئله ۵۲) بر محرم لازم است که از مطلق لباس دوخته هر چند کم باشد، اجتناب کند، اما کمربند و بند ساعت و دمپایی و امثال آنها اگر دوخته باشند، اشکال ندارد، چون بر این موارد صدق لباس نمی کند ولی احتیاط استحبابی در ترك است.

(مسئله ۵۳) دست گرفتن قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود برای مُحرم اشکالی ندارد، ولی احتیاط مستحب آن است که آن را به دوش نیندازد.

(مسئله ۵۴) اگر مُحرم به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد، جایز است آن را بپوشد، ولی باید کفّاره بدهد، و کفّاره آن يك گوسفند است.

(مسئله ۵۵) بر مُحرم جایز است برای استراحت، سر خود را روی زمین یا بالش بگذارد.

(مسئله ۵۶) اگر مُحرم سرش را شست، نباید سر یا بعضی آن را با حوله و دستمال خشک کند.

(مسئله ۵۷) جایز است مُحرم هنگام خوابیدن، از پتو یا روانداز دوخته استفاده کند، هر چند روی پاهای او را هم بپوشاند، چون صدق لُبس نمی کند ولی سر خود را نباید بپوشاند.

(س ۵۸) اینکه مرد نباید در حال احرام سرخود را بپوشاند، آیا این حرمت، شامل کلاه گیس که نمی تواند از سرخود بردارد نیز می شود؟

ج - شمول ادّله حرمت پوشاندن سر مرد در حال احرام، در چنین مواردی که کلاه گیس را برای پوشانیدن به سر نگذاشته و عرف هم آن را پوشش سر همانند پوشاندن با حنا و دوا نمی داند بلکه آن را موی سر مصنوعی می داند، مشکل، بلکه ممنوع است، لیکن احتیاط واجب در دادن يك گوسفند به عنوان کفّاره است.

(مسئله ۵۹) اگر در يك مجلس ناخن دستها را بگیرد و ناخن پاها را تا کم تر از ده ناخن بگیرد، يك گوسفند برای همه آنها کافی است (همان گونه که شهید در مسالك فرموده است) و همچنین اگر در يك مجلس ناخن پاها را تماماً بگیرد و ناخن دستها را کم تر از ده انگشت بگیرد، يك گوسفند کفایت می کند.

(مسئله ۶۰) در شب، استظلال نیست، بنابراین جایز است مُحرم در شب با ماشین سقف دار به مگه یا جای دیگر برود و هوای ابری در روز حکم آفتابی بودن را دارد نه حکم شب.

(مسئله ۶۱) بنا بر احتیاط واجب، مُحرم برای رفتن به رمی جمرات یا کشتارگاه یا در خود عرفات از چتر و امثال آن استفاده نکند.

(مسئله ۶۲) بعد از آنکه مُحرم به منزل رسید، بنا بر احتیاط واجب، نمی تواند در روز برای رفتن به مسجدالحرام در ماشینهای سقف دار سوار شود، یا زیر سایه برود. و اگر پیاده روی برای آنها مختصر صدمه ای دارد که معمولاً نیز چنین است و تهیّه ماشین بی سقف هم مشکل باشد، به حکم سهولت و نفی حَرَج، رفتن با ماشین سقف دار، مانعی ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب، يك گوسفند كفاره بدهد، و ناگفته نماند که این گوسفند را می توان بعد از برگشتن به وطن ذبح نمود.

(مسئله ۶۳) آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است، بنابراین، اگر ماشین از زیر پلهایی که در مسیر واقع شده برود و بناچار مُحرمین از زیر پلها عبور کنند و یا ماشین در محل پمپ بنزین در زیر سقف باشد، اشکالی ندارد و كفاره هم ندارد.

(س ۶۴) استفاده از ماسکهایی که جهت جلوگیری از تنفس هوای آلوده به دهان می زنند، و بند آن را پشت سر می اندازند که بخش کوچکی از سر را می پوشاند، برای مردان و زنان مُحرم چه حکمی دارد؟

ج - از حیث سَتر رأس برای مردان، مانعی ندارد چون با انداختن بند آن، به پشت سر، صدق ستر نمی کند، و اما نسبت به جلوگیری از تنفس هوای آلوده در صورتی که جلوگیری از استشمام بوی بد نباشد، مانعی ندارد؛ و اما نسبت به زنان چون موجب پوشیده شدن قسمتی از صورت می شود، مطلقاً حرام است.

(مسئله ۶۵) کسی که از ناحیه پا معلول است و دارای پای مصنوعی است و ناچار از پوشیدن جوراب یا استفاده، از پارچه دوخته روی پای مصنوعی است چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد، چون پای مصنوعی، حکم پای طبیعی را ندارد.

(مسئله ۶۶) در تقصیرهایی که مُحرم در عمره یا در حج کرده، احتیاط مستحب آن است که گوسفند یا غیر آن را در

مگه ذبح کند، و اگر در حج تقصیر کرده، بنا بر احتیاط مستحب در منی ذبح کند، پس می تواند در غیر منی و مکه ذبح نماید و آن را به فقرا بدهد.

طواف

(مسئله ۶۷) اگر در اثنای طواف حَدَث عارض شود، باید طواف را قطع کند و تحصیل طهارت کند، و در هر صورت (چه پیش از تمام شدن دور چهارم و چه بعد از گذشتن از نصف) اگر طواف را از سر بگیرد، مجزی است و راحت تر هم می باشد.

(مسئله ۶۸) طواف کردن باید به نحو متعارف باشد و در تمام اشواط، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود، یعنی نباید از حجرالاسود که شروع می کند به طرف رکن یمنی دور بزند، بلکه از حجرالاسود شروع کند و به طرف رکن عراقی و بعد رکن شامی و بعد رکن یمنی برود و دور بزند، و زیادتیر از آن لازم نیست بلکه اگر موقع دور زدن مثلاً رو به کعبه هم باشد، اشکال ندارد.

(مسئله ۶۹) واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده به طرف جلو باشد، بلکه جایز است به سمت راست یا چپ نگاه کند و یا صورت خود را برگرداند، بلکه به عقب نگاه کند، کما اینکه می تواند رو به روی کعبه شود و دور بزند، همچنین می تواند طواف را رها کند و کعبه را ببوسد و برگردد از همان جا طوافش را ادامه دهد، آری، نباید عمداً پشت به کعبه طواف نماید، و اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان و کثرت جمعیت روی طواف کننده به کعبه واقع شود و یا عقب طواف کند یا پشتش بدون قصد و یا صدق اهانت به کعبه واقع شود، طوافش صحیح است.

(مسئله ۷۰) واجب است طواف با اختیار و اراده، باشد پس اگر کلاً از او سلب اختیار کنند طواف صحیح نیست اما اگر ازدحام جمعیت باعث سرعت یا کُندی در حرکت شود مانعی ندارد چون صدق طواف می کند.

(مسئله ۷۱) قطع کردن طواف مستحبی، هر چند بدون عذر باشد، جایز است، اما در طواف واجب، احتیاط واجب در عدم قطع بدون عذر می باشد، ولی به هر حال اگر قطع نمود و طواف را از سرگرفت مجزی است.

(س ۷۲) در موارد زیر به جا آوردن طواف مستحبی، به نیابت از دیگری و نیابت کردن در طواف کسی که او نیز اعمال به جا می آورد، چه حکمی دارد؟

ج - الف - پس از احرام عمره مفرده یا تمتع، پیش از طواف و بقیه اعمال.

ب - پس از احرام حج، قبل از رفتن به عرفات.

ج - پس از اعمال منا، پیش از اعمال مکه.

ج - احتیاط واجب اگر نکوئیم اقوی، ترك آن در تمام صور مورد سؤال می باشد.

(س ۷۳) آیا به هنگام شروع طواف از حجرالأسود لازم است

فرد بایستد و نیت را بر زبان بیاورد؟

ج - ایستادن قبل از حجرالأسود لازم نیست، و همین که

قصد دارد طواف عمره تمتع را مثلاً قربةً الى الله از

حجرالأسود شروع کند و به حجرالأسود تمام کند، کفایت

می کند.

(مسئله ۷۴) طواف کننده اگر مرد است و همچنین بچه های

ممیّز و غیر ممیّز در طواف واجب یا مستحب باید مختون

(ختنه شده) باشند و این شرط در زنها نیست، ولی اگر

بچه ای ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف او صحیح است.

(س ۷۵) آیا بانوان می توانند برای پیشگیری از عادت

ماهانه در ایام حج، از قرص استفاده کنند؟

ج - آری می توانند، چون قطع حیض با معالجه و دارو،

حکم پاك بودن طبیعی را دارد.

(س ۷۶) آیا برای مستحاضه کثیره جایز است که بایک غسل هم

نمازهای روزانه را به جا آورد و هم طواف و نماز آن را

انجام دهد؟

ج - مستحاضه کثیره و متوسطه باید علاوه بر اغسال

یومیّه، يك غسل برای طواف و یکی هم برای نماز آن

انجام دهد و هر کدام از طواف و نماز مستقل هستند،

یعنی برای هر يك غسل لازم است، مگر آنکه از زمان

غسل کردن برای طواف تا آخر نماز، خون قطع شود.

(س ۷۷) چه مقدار فاصله بین اشواط طواف سبب به هم

خوردن موالات و بطلان آن می گردد؟

ج - موالات عرفیه معتبر است و مقدار خاصی برای آن تعیین نشده است.

(س ۷۸) در طبقات دوم و سوم مسجدالحرام طواف کردن چه صورتی دارد؟

ج - ظاهراً طواف در طبقه فوقانی مسجدالحرام که طواف فضا و هوای متعلق به بیت باشد، همانند طواف در طبقه پایینی و صحن مسجدالحرام مجزی و صحیح می باشد. چون اسامی و نامهایی همانند مسجد و بیت و مدرسه و رباط، اسامی و اعلامی برای مجموعه از ساختمان و فضا و هوای متعلق به آنها است و محکوم به احکام آنها می باشند. بناءً علی هذا، فضای محاذی با بیت الله الحرام و البیت العتیق همانند دیوارها و جدارها و ارکان آن، جزء بیت الله است و همان طور که طواف به دور آنها طواف بیت الله است، پس طواف فضای متعلق به بیت الله در بالا هم طواف بیت الله و مجزی است، و ادعای اینکه بیت الله و یا غیر آن از اسامی و اعلام همانندش مثل مسجد و مدرسه نام ساختمان و بنا است، نه اعم از آن و فضای محاذی متعلق به آنها، ظاهراً ناتمام می باشد که سیدنا الاستاذ الامام الخمینی «سلام الله علیه» مفصلاً از آن در اصول^۱ بحث نموده و همان معنای اعم و قدر جامع را پذیرا شده که مطابق با تحقیق می باشد و بنا بر این مبنا است که تمام احکام مسجدالحرام و مسجدالنبی بر آن دو مسجد فعلی با همه توسعه آنها جاری می باشد، و ناگفته نماند که این نظریه یعنی وضع اسامی بر قدر جامع و اعم که در اول پاسخ به آن اشاره شده به نظر فقیه بزرگوار کاشف الغطاء (قدس سره) تأیید می شود که آن فقیه کم نظیر اگر نگوییم بی نظیر در کشف الغطاء خود در بحث مواقیت فرموده: «الاول: فی ان المواقیت بأسرها عبارة عما يتساوى الاسماء من تخوم الارض الى عنان السماء فلو احرم من بئر او سطح فيها - راكباً او

۱. تهذیب الامول، ج ۱، ص ۵۶، (بحث صحیح و اعم، بحث امر رابع).

ماشياً او مضطجعاً و فی جمیع الاحوال - فلا باس به»^۱،
و به نظر می رسد که اگر آن فقیه بزرگوار راجع به
طواف هم بحث نموده و متعرض آن شده بود، قطعاً طواف
در طبقات فوقانی را نیز مجزی می دانست.

(مسئله ۷۹) به نظر اینجانب حدّ طواف خانه خدا،
مسجدالحرام است، هر چند پشت مقام باشد و رعایت فاصله
بین کعبه و مقام ابراهیم (علیه السلام) لازم نیست.

(س ۸۰) اشخاصی که قدرت بر طواف ندارند، آیا باید نایب
بگیرند یا خودشان با تخت و سواره طواف نمایند؟

ج - بایدخودشان با تخت و سواره طواف نمایند، چون
طواف سواره در حال اختیار هم صحیح است، چه رسد
به حال عدم اختیار.

(س ۸۱) طواف در طبقه فوقانی برای افرادی که از طواف
آنها با ویلچر یا وسیله دیگر در صحن مسجد مانع می شوند،
چه حکمی دارد؟

ج - پاسخ آن از مسئله ۷۷ مشخص می شود.

(س ۸۲) موالات میان اشواط طواف و سعی، چگونه به هم
می خورد، آیا با خواندن دو رکعت نماز مستحبی یا فعل
منافی با طواف، به هم می خورد یا نه؟

ج - خواندن مثل دو رکعت نماز مستحبی که جزء حاجات
نمی باشد چه رسد به فعل منافی با طواف، مضرّ به
صحت طواف است و جایز نبوده، چون بر خلاف سنّت طواف
می باشد و قطع نظر از آنکه شاید بتوان به دلیل
تأسی عدم جواز آن را اثبات کرد، صحیحه حلبی^۲ هم بر
آن دلالت روشن دارد، چون مخالفت با سنّت در طواف را
ابو عبدالله جعفر الصادق (علیه السلام) در همان صحیحه
علت بطلان ولزوم اعاده آن دانسته.

(س ۸۳) اگر کسی عمداً یا سهواً از دور پنجم یا ششم طواف

را رها کند، آیا می تواند آن را از سر بگیرد؟

ج - بلی می تواند آن را از سر بگیرد و به طور کلی
هر کجا و در هر شرایطی چه قبل از نصف و چه بعد از
آن که بخواهد طواف ناقص یا مشکوک را از سر بگیرد،

۱. کشف الغطاء، مواقیت الاحرام، المقام الثانی فی احکامها، ص ۵۴۹.

۲. التهذیب: ۱۱۸/۵، ح ۳۸۶؛ الوسائل: ۳۷۹/۱۳، أبواب الطواف، باب ۴۱، ح ۳.

مانعی ندارد و مجزی است و صحیح می باشد، چون حکم به اتمام و عدم قطع در مواردی که وارد شده، حکم ترخیصی و ارفاقی می باشد نه حکم وجوبی.

(مسئله ۸۴) اگر شخصی بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن، شك کند که آیا طواف را زیادتراً از هفت دور به جا آورده، یا شك کند کم تر به جا آورده، به شك خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لیکن در صورت دوم، احتیاط مستحب در استیناف و از سرگرفتن است.

(مسئله ۸۵) اگر بعد از طواف شك کند که صحیح به جا آورده یا نه، - در صورتی که اتیان هفت دور معلوم باشد - مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا مُحدث بوده یا از داخل حجراسماعیل (علیه السلام) طواف کرده، اعتنا نکند و طوافش صحیح است، گرچه در محلّ طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد.

(س ۸۶) شخصی در عمره تمتّع، بعد از تقصیر فهمیده که طواف و سعیش باطل بوده و مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داده، آیا مجزی است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج - طواف و سعی او صحیح است و اعاده تقصیر لازم نیست، اگرچه احوط است .

(س ۸۷) آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم است شخص با لباس احرام باشد؟
ج - لازم نیست .

(مسئله ۸۸) اگر کسی مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف را به جا نیاورده یا طوافش باطل بوده است، باید سعی را رها کند و طواف و نماز را به جا آورد و پس از آن، سعی را از سر بگیرد.

(س ۸۹) اگر طفل غیر ممیزی که او را طواف می دهند، در حال طواف، خودش را نجس کند، آیا فقط طواف طفل باطل است یا طواف پدر هم به علت حمل شیء نجس باطل است؟

ج - نجس کردنش ظاهراً مانع از صحت طواف طفل نیست، چون در طواف طفل به خاطر عدم تمییزش ادلّه شرایط معتبره در طواف از او انصراف دارد، مگر آنچه را که طواف دهنده بتواند در حقش ولو به نحو صورت

ظاهری مثل وضو دادن انجام دهد که رعایت آنها برای طواف دهنده لازم است، و طواف پدر هم به خاطر آنکه محمول متنجس در طواف معفو عنه است نیز درست می باشد.

نماز طواف

(مسئله ۹۰) سزاوار است نماز طواف را فوراً بدون تأخیر پس از طواف بخواند و بین طواف و نمازش فاصله نیندازد و میزان، مبادرت عرفیه است و در هر صورت، با تأخیر، اعاده طواف لازم نیست.

(مسئله ۹۱) نماز طواف واجب را باید پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) به جا آورد، به نحوی که مقام در جلوی شخص قرار گیرد (نه محاذی سمت راست یا چپ آن)، و پشت مقام حدّ معینی ندارد، لیکن هرچه نزدیکتر بهتر و احوط است.

(مسئله ۹۲) اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می تواند خودش به جا آورد و همان کفایت می کند، و اگر برایش امکان دارد، کسی را وادارد که نماز را به او تلقین کند، ولی به نماز جماعت اکتفا نکند چون مشروعیت جماعت در نماز طواف محل اشکال است، همچنان که نایب گرفتن نیز کافی نیست.

(س ۹۳) آیا نماز طواف را می توان با نماز جماعت یومیه به جا آورد؟

ج - نمی تواند، چون مشروعیت جماعت در نماز طواف، حتی به نماز طواف چه برسد به نمازهای یومیّه، محل اشکال است.

(س ۹۴) نماز طواف معذورین که در طبقه فوقانی طواف خود را انجام داده اند و برای نماز نمی گذارند با ویلچر وارد صحن مسجدالحرام شوند و نمی توانند بدون ویلچر یا وسیله دیگر در صحن مسجدالحرام نماز خود را بخوانند، چه حکمی دارد؟

ج - به طور کلی آنچه در نماز طواف واجب شرط است، در مسجدالحرام و پشت مقام بودن آن است (یعنی در جلوی مقام و یا دو طرف آن و یا در حجر نباشد)،

بنابراین، نماز خواندن در طبقات فوقانی مسجدالحرام در صورتی که پشت مقام باشد، صحیح و مجزی است.

(مسئله ۹۵) احکامی که برای نماز خواندن مرد و زن با محاذات همدیگر و یا تقدم مرد بر زن در سایر جاها وجود دارد، برای مرد و زنی که در مسجدالحرام نماز می خوانند، وجود ندارد و نماز آنها حکم نماز دو مرد و یا دو زن در سایر جاها را دارد و موثقه فضیل^۱ دلیل و حجت بر این استثنا می باشد و در این استثنا به حکم اطلاق، فرقی بین نماز طواف و یا نمازهای دیگر از واجب و مستحب نمی باشد.

(س ۹۶) معیار کثیر الشک در تعداد دورهای طواف و تعداد ریگ های رمی چیست؟ و عدم اعتنا به چنین شکی به چه معناست؟ آیا بنابر اقل بگذارد یا اکثر؟

ج - معیار کثیر الشک در آنها همانند بقیه موارد عرفی است و باید همانند نماز و غیره بنا را بر آنچه به نفعش می باشد بگذارد و مجزی است تا همان طرز که در روایت تعلیل شده طمع شیطان خبیث متوجه او نگردد و طمعش قطع شود و او را رها کند .

(س ۹۷) در مورد کسی که نمازش را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد، می فرمایید نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می تواند عمره مفرده مستحبی به جا آورد؟

ج - اشکال ندارد .

(مسئله ۹۸) لباسهای ساتر نمازگزار باید مباح باشد و اگر شخصی با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس ساتر بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است، همچنین اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده، بپردازد .

سعی بین صفا و مروه

(مسئله ۹۹) «سعی» باید بین صفا و مروه باشد و اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه جایز است، چون سعی و مشی از صفا به مروه و بالعکس - که

۱. الوسائل: ۱۲۶/۵، أبواب مکان المصلی، ب ۵، ح ۱۰.

مورد نص و فتوی است - در هر طبقه ولو بالاتر از کوهها هم باشد، بر آن صدق می کند و صدق در هر طبقه عرفاً تابع سعی در همان طبقه است و لذا کسی که با هواپیما از شهری به شهر دیگر می رود و بر می گردد گفته می شود که از فلان شهر به شهر دیگر رفت و آمد نموده است، گرچه مسیرش میان آن دو شهر روی زمین نبوده است.

(مسئله ۱۰۰) واجب است فاصله میان صفا و مروه را طی کند و باید توجه داشت که هم اکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را با سنگ مفروش کرده اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت بالای سراشیمی برود، بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برود و مقداری از آن را جزو سعی قرار دهد، کفایت می کند و احتیاط و دقت زیاد که پاشنه پای خود را به کوه برساند نه تنها لازم نیست بلکه ممکن است نامطلوب هم باشد .

(س ۱۰۱) كودك ممیزی را ولی او به سعی می برد، آیا لازم است در ابتدای سعی او را برای نیّت بیدار کند؟ چنانچه در آغاز بیدار باشد و در بین راه به خواب رود، چه حکمی دارد؟

ج - حکم بزرگسالان و بالغین را دارد و باید در ابتدا و در بین سعی بیدار باشد و نیّت را در ابتدای سعی انجام دهد.

(س ۱۰۲) اگر كودك را در حال خواب طواف یا سعی دهند یا بخشی از طواف و سعی را در خواب باشد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر كودك غیر ممیز باشد، مانعی ندارد، چون او طواف نمی کند بلکه او را طواف و سعی می دهند. بنابراین، شرایط صحت طواف، مثل طهارت، نیّت و بیدار بودن و امثال آنها برایش معتبر نمی باشد، آری، اگر طفل ممیز باشد حکم بزرگسالان و بالغین را دارد که در مسئله قبل بیان شد.

(مسئله ۱۰۳) اگر شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی به عقب برگردد و بدون توجّه مجدداً همان مسافت را طی کند، و یا گمان کند در محلّ هروله، واجب است که هروله کند و لذا برگردد و مقداری را که عادی طّی کرده بود، با هروله تکرار کند به سعی او ضرری نمی زند، چون زیاده

عمدیّه نمی باشد، لیکن احتیاط در رها کردن آن سعی و از سرگرفتن آن مطلوب است.

(س ۱۰۴) آیا در سعی موالات واجب است؟

ج - واجب نمی باشد، لیکن فاصله زیاد انداختن بین اشواط مطلوب نیست.

(مسئله ۱۰۵) اگر کسی به هیچ گونه حتی سواره نتواند سعی را به جا آورد باید نایب بگیرد تا سعی را به جای او انجام دهد و بعد خودش تقصیر کند.

(س ۱۰۶) وظیفه افراد معذوری که نمی گذارند در طبقه اول با چرخ سعی کنند چیست؟

ج - اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه جایز است، چون سعی بین صفا و مروه که مورد نص و فتوی است صدق می کند.

(مسئله ۱۰۷) پس از فراغت از سعی لازم نیست فوراً تقصیر کند، بلکه می تواند آن را به تأخیر اندازد، کما اینکه می توان در منزل یا جای دیگر تقصیر نمود و اولی و احوط تقصیر در مروه است، ولی به هر حال باید پیش از احرام حج، تقصیر را انجام داد که احرام داخل در احرام نشود.

(س ۱۰۸) در فتوای فقها، استحباب سعی وارد نشده است، آیا سعی استحباب نفسی دارد یا نه؟

ج - از بعضی روایات استحباب نفسی سعی استفاده می شود مثل آنچه صحیحاً روایت کرده محمد بن قیس از ابی جعفر (علیه السلام) قال: «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لرجل من الانصار إذا سعيت بين الصفا والمروة كان لك عند الله اجر من حج ماشياً من بلاده»^۱ پس در اینکه حضرت ثواب سعی را معادل با حج پیاده از شهرش برای سعی کننده قرار داده شهادت است بر اینکه سعی ثواب مستقلى دارد و الا قرار دادن ثواب جزء معادل ثواب کل مناسب نبود.

تقصیر

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۴۷۱، أبواب السعی، باب ۱، حدیث ۱۵.

(مسئله ۱۰۹) اگر کسی جهلاً یا سهواً قبل از سعی تقصیر کند و بعد از سعی دوباره تقصیر نماید، چیزی بر او نیست. (مسئله ۱۱۰) در تقصیر لازم نیست که انسان خودش تقصیر نماید، بلکه اگر دیگری هم گرچه غیر شیعه باشد و برایش تقصیر کند، و خودش نیت تقصیر و قصد قربت نماید، کفایت می‌کند.

(مسئله ۱۱۱) بین عمره تمتع و حج تمتع ماشین کردن سر مانع ندارد، و ماشین کردنی که مثل تراشیدن است، حکم تراشیدن را دارد، که خلاف احتیاط استحبابی است مگر برای کسانی که حلق در منی بر آنها واجب است. که نباید سر خود را به صورتی که مانع از صدق حلق در منی بشود بتراشند تا بتوانند در منی حلق نمایند. و کفاره هم ندارد.

(مسئله ۱۱۲) خروج از مکه برای کسانی که عمره تمتع انجام داده اند، بدون احرام هم مانعی ندارد؛ بنابراین، رفتن به غار حرا و غار ثور، اگرچه از محل‌های مکه هم حساب نشود، جایز است.

موارد عدول به حج افراد

(مسئله ۱۱۳) اگر شخصی که به احرام عمره تمتع محرم شده است، به واسطه عذری یا مشکلی دیر وقت وارد مکه شود، به طوری که اگر بخواهد عمره به جا بیاورد وقت وقوف در عرفات می‌گذرد یا خوف از آن دارد که وقت بگذرد، در این صورت به حج افراد عدول کند و پس از به جا آوردن آن، عمره مفرده به جا آورد، و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است.

(مسئله ۱۱۴) اگر زنی مُحرم شد و وقتی وارد مکه شد، به واسطه حیض نتوانست طواف و نماز آن را به جا آورد، و اگر بخواهد بماند تا پاک شود، نمی‌تواند یا ترس آن را دارد که وقوف در عرفات را درک نکند، در این صورت باید به حج افراد عدول کند و پس از به جا آوردن آن، عمره مفرده به جا آورد.

احرام حج تمتع

(مسئله ۱۱۵) محل احرام حج تمتع، شهر مکه است، اگرچه در محل‌های تازه ساز باشد، و اگر از محلات مکه نباشد، یا

مورد شك باشد، كفايت نمى كند، ولى مستحب است در مسجدالحرام مُحرم شود، و افضل مواضع آن، مقام ابراهيم (عليه السلام) يا حجر اسماعيل (عليه السلام) است. (مسئله ۱۱۶) خدمه كاروانها و يا افراد ديگر پس از انجام عمره تمتع مى توانند بدون احرام حج، براى ديدن چادرها و كارهاى ديگر از مكه خارج شوند و به منى و عرفات بروند، گرچه احتياط مستحب در خارج شدن با احرام حج تمتع است، و ناگفته نماند كه حتى بنا بر قول به عدم جواز خروج آنها بدون احرام براى حج، اگر بدون احرام رفتند به حَجَّشان ضررى نمى زند.

وقوف در عرفات و مشعر

(مسئله ۱۱۷) در عرفات و مشعرالحرام براى مشخص كردن محدوده هاى آن علاوه بر نصب کرده اند كه اعتماد به آنها جايز است، چون از روى حساب و شناخت و بررسى تعيين شده كه اگر اعتماد و اطمینان به آنها، زيادتر از گفته مردم كه در روايات، اکتفای به آن تجویز شده نباشد، كمتر نخواهد بود.

(مسئله ۱۱۸) براى كسانى كه معذورند جايز است مقدارى از شب را در مشعرالحرام توقف كنند و سپس به منى كوچ كنند (مانند زنها و بيماران و پير مردان و اشخاص ضعيف و اشخاصى كه براى پرستارى يا راهنمايى آنها لازم است همراه معذورين باشند)، ليكن احتياط مستحب آن است كه پيش از نصف شب حركت نكنند، بنا بر اين، براى اين اشخاص وقوف بين الطلوعين لازم نيست.

اعمال منى

(مسئله ۱۱۹) ترتيب در اعمال منى در روز عيد يعنى تقديم رمى جمره عقبه بر ذبح و تقديم ذبح بر حلق يك امر مستحب است، بنا بر اين، مى توان ذبح را حتى بر رمى جمره هم مقدم داشت چه رسد به حلق.

(مسئله ۱۲۰) بيرون آمدن از احرام نسبت به محرماتى كه در منى با حلق (يا تقصير) محقق مى شود، منوط و مشروط است به اتيان و انجام رمى و حلق (يا تقصير)، پس هر زمان آن دو عمل انجام گرفت از احرام در آنجا خارج شده و مى تواند مثلا لباس مخيط بپوشد، هرچند هنوز ذبح انجام

نگرفته باشد. پس محلّ شدن در منی همان طور که ظاهر نصوص و عبارات اصحاب می باشد، مشروط به رمی و حلق (یا تقصیر) است نه مشروط به آنها و به ذبح، و ناگفته نماند که مسئله عدم وجوب ترتیب که در مسئله قبل بیان شد، غیر از مسئله محلّ شدن و اشتراطش به رمی و حلق است.

(مسئله ۱۲۱) کسانی که عذر دارند از اینکه در روز رمی کنند، مانند اشخاص بیمار، می توانند در شب رمی کنند، و هر وقت شب که باشد مانعی ندارد، و معذورین، مانند زنان و پیر مردان و کودکان و ضعیفان که شبانه از مشعر به منی کوچ داده شده اند نیز جایز است در شب عید، رمی جمره عقبه را انجام دهند.

(مسئله ۱۲۲) در تمام طبقات جمرات رمی جایز و صحیح است.
(مسئله ۱۲۳) مراد از جمره آن بنای مخصوص است و واجب است که سنگها به جمره اصابت کند و اگر به آن جمره اصابت نکند، کفایت نمی کند.

(س ۱۲۴) اطلاعات حکایت از آن دارد که در جمرات تعمیراتی انجام داده اند و آن را بصورت طبقات در آورده اند بفرمایید تکلیف حجاج در رمی جمرات چیست؟

ج - رمی بر آنها کفایت می کند و فرقی بین آن گونه اضافه ها و اضافه عمودی وجود ندارد، چرا که در روایات به خصوصیات علامت از جهت طول و عرض اشاره ای نشده، بنابراین، اصل برائت از خصوصیت و محدودیت علامت جاری و محکم است، بعلاوه از آنکه به نظر می رسد متفاهم عرفی به مناسبت حکم و موضوع و خصوصیات که در رمی معتبر شده، جمرات به عنوان مرمی و محل ضرب است و به منزله نشانه ای در رمی می باشد، مضافاً به آنکه یقیناً از زمان تشریح رمی تاکنون در آن نشانه ها که خوردن حصات و ریگها به آنها لازم بوده و هست تغییراتی از جهت اندازه در آنها ایجاد گردیده است، و هیچ ردع و منعی در روایات و عبارات اصحاب از آنها نشده است.

(مسئله ۱۲۵) موالات در جمرات سه گانه معتبر نیست، یعنی مثلاً می تواند جمره اولی را در صبح رمی کند و جمره وسطی

را در ظهر و جمره عقبه را قبل از غروب، ولی در رمی هر يك از جمرات موالات عرفیه لازم است.

(مسئله ۱۲۴) اگر کسی از رفت و آمد تا محل رمی، ولو با ماشین در تمام وقت در روز معذور باشد و در شب هم امکان رمی برای او نباشد، باید کسی را نایب بگیرد تا رمی را به نیابت از او در روز انجام دهد.

(س ۱۲۷) اگر کسی در روز عید نتواند قربانی کند و حلق یا تقصیر هم نکرده باشد، آیا می تواند در روز یازدهم با احرام رمی کند؟

ج - مانعی ندارد.

(مسئله ۱۲۸) محلّ قربانی کردن در حال اختیار باید در منی باشد و در جای دیگر کفایت نمی کند، ولی در صورت عدم امکان ذبح در منی، و در صورت ضرورت، قربانی کردن در مسلخ جدید که امروزه به نام «مُعِیصم» نامیده می شود، مجزی است.

(مسئله ۱۲۹) اگر کسی با اعتقاد به اینکه گوشت قربانی تلف می شود و تضييع مال است، قربانی نکرد و با همین کیفیت تقصیر کرد و سایر اعمال حج را انجام داد، اگر جاهل بوده و فکر می کرد، عملش صحیح است، در این صورت اعمال و حجّ او صحیح است و از احرام خارج شده، ولی قربانی بر ذمه او باقی است. و اما اگر عمداً و برای اعتبارات و افکار خودش قربانی ننمود و بعد هم تدارك نکرد علاوه بر معصیت، صحت حجّش هم محل اشکال است.

(مسئله ۱۳۰) واجب است قربانی در روز باشد، حتی کسانی که معذور بودند و شب از مشعر کوچ کرده اند و رمی جمره عقبه را شبانه انجام داده اند، قربانی نمودن در شب حتی از آنها هم مجزی نمی باشد.

(مسئله ۱۳۱) لازم نیست خود انسان ذبح کند و جایز است شخص در قربانی به دیگری نیابت بدهد و نایب باید در موقع ذبح نیت کند، و اقوی آن است که خود شخص هم اگر هنگام ذبح در محل ذبح می باشد، نیز نیت نماید.

(مسئله ۱۳۲) کسی که اجیر دیگری است، در حج می تواند برای قربانی کردن، شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور

به قصد حجّی که موکلش از طرف موکل خود انجام می دهد، نیت قربانی می نماید.

(مسئله ۱۳۳) احتیاط آن است که قربانی را سه قسمت کنند؛ یک قسمت آن را هدیه بدهند، یک قسمت آن را صدقه بدهند و قدری هم از گوشت ذبیحه بخورند^۱ قسمت صدقه را به مؤمنین بدهند، لیکن هیچ یک از این احتیاطها واجب نیست و اگر ذبیحه را بعد از ذبح رها کند و برود اشکال ندارد و ضامن حصّه فقرا نبوده، لیکن احتیاط، خصوصاً در خوردن قدری از گوشت ذبیحه، بسیار مطلوب است.

(مسئله ۱۳۴) خروج از احرام نسبت به غیر از بوی خوش و زن ظاهراً به بیش از رمی و حلق که مفصلاً در مسئله (۱۲۰) گذشت، منوط نمی باشد، نتیجتاً محرم با انجام رمی و حلق از همه محرّمات احرام - بجز بوی خوش و لذت بردن و کامجویی از زن - خارج می شود.

(س ۱۳۵) بعضی از محله های جدید مکه، در منی ساخته شده است. آیا در آنجا می توان قربانی نمود یا خیر؟
ج - اگر در منی است و منع قانونی ندارد، مانعی ندارد، ولی بدون احراز اینکه در منی است صحیح نیست، کما اینکه با منع قانونی هم، کفایت قربانی محل اشکال است.

(مسئله ۱۳۶) کسی که سال اول حج او است و «صروره» می باشد، مخیر است بین حلق (سرتراشیدن) و تقصیر، ولی افضل این است که سرتراشیدن را اختیار کند.

(مسئله ۱۳۷) احتیاط آن است که حلق و یا تقصیر در روز عید باشد، اگرچه جواز در تأخیر آن تا آخر ایام تشریق^۲ بعید نیست، بلکه تا ایامی که غیر اعمال منی از اعمال حج را می توان به جا آورد.

(مسئله ۱۳۸) انجام حلق یا تقصیر در شب هم صحیح است و کفایت می کند.

(مسئله ۱۳۹) شخص محرم نمی تواند قبل از اینکه خودش حلق و یا تقصیر کند، سر دیگری را بتراشد و یا تقصیر نماید،

۱. اگر خوردن گوشت قربانی، باعث پدید آمدن بیماریهای میکروبی شود، نیازی نیست حجاج از آن ذبیحه بخورند.

۲. روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه.

چون ازاله موی دیگری قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست، ولو برای تقصیر و حلق.

(مسئله ۱۴۰) بر کسی که حج به جا می آورد، واجب است در منی بیتوته کند، «یعنی شب یازدهم و دوازدهم ماه ذی حجة را در منی بماند»، از غروب آفتاب تا نصف شب. بنابراین، جایز است پس از نیمه شب از منی خارج شود، و نصف اول شب را که واجب است شخص در منی بیتوته کند، اگر در اوایل آن بدون عذر در منی نماند، احتیاط واجب آن است که قبل از نیمه شب برگردد و تا طلوع آفتاب در منی بماند، و اگر کسی بدون عذر نصف اول شب را در منی نباشد، باید كفارة ترك مبیت را که يك گوسفند است بدهد و بعلاوه معصیت هم کرده است.

طواف نساء

(مسئله ۱۴۱) طواف نساء اختصاص به مرد ندارد، بلکه بر زن و خنثا و خصی (اخته) طفل ممیز، حتی بر عین و کسانی که توانایی انجام عمل زنا شویی را ندارند، واجب است، و اگر مردی طواف نساء را به جا نیاورد، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن بر او حرام است، و نیز اگر زن آن را ترك کند، مرد بر او حلال نمی شود.

(مسئله ۱۴۲) طفل غیر ممیز، اگر ولی او، او را محرم کند، باید او را طواف نساء بدهد، تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود، و نیت کند که طفلش طواف می کند قربةً الی الله.

(مسئله ۱۴۳) نایب در طواف نساء باید مانند بقیه اعمال بقصد منوب عنه آن را بجا آورد.

مسائل متفرقه

(مسئله ۱۴۴) شرکت در نمازهای جماعت عامه که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی یا سایر مساجد برگزار می شود، در صورتی مجزی است که شرایط صحت نماز نزد مذهب خود را داشته باشد. در غیر این صورت چون در وضعیت فعلی زمینه تقیه مداراتی وجود ندارد، نماز با آنها محکوم به صحت نبوده و اقوی در اعاده آن می باشد.

(مسئله ۱۴۵) تخییر بین قصر و اتمام در تمام شهر مکه و مدینه جاری است و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد.

(س ۱۴۶) کسی که قادر به سجده معمول و متعارف نیست، اگر در نماز مسجدالحرام و مسجدالنبی شرکت کند، چگونه باید سجده گزارد؟ با توجه به این که مهر یا چیز دیگری نمی تواند به پیشانی گزارد؟

ج - در مفروض سئوال، با کیفیت مزبور بخواند، سپس نماز را دوباره به کیفیتی که صحیح و وظیفه شرعی او می باشد اعاده نماید.

(س ۱۴۷) کسانی که برای شرکت در نماز مغرب وارد مسجدالحرام و مسجدالنبی یا مساجد دیگر در مکه و مدینه می شوند و نمازهای خود را با جماعت می خوانند، آیا جایز است بلا فاصله بعد از نماز جماعت، نماز عشا را بخوانند یا نه؟

ج - در صورتی که در نماز جماعت مراعات مذهب خود را نموده باشد، مثل اینکه قرائت خود را خوانده باشد و سجده را بر مایصح السجود نموده باشد، مانعی ندارد.

(مسئله ۱۴۸) در لیالی مقمره (شبهای مهتابی) در مکه، کسانی که نماز صبح را با سایر مسلمین به جماعت

می خوانند، جماعت آنان با مراعات صحت نماز نزد مذهب خود صحیح است و اعاده ندارد، و فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی نیست .

(مسئله ۱۴۹) سجده نمودن به تمام اقسام سنگها، چه سنگ مرمر باشد یا سنگهای معدنی یا سنگ گچ و آهک (قبل از آنکه پخته شود)، جایز است، همچنین سنگهایی از این قبیل که در مسجدالحرام و مسجدالنبی است، سجده بر آنها اشکال ندارد.

(مسئله ۱۵۰) با توجه به اینکه استتار قرص برای خواندن نماز مغرب کافی است، بنابراین، شرکت در نماز جماعت (با مراعات صحت نماز نزد مذهب خود) و مراسم افطار اهل سنت صحیح است و کفایت می کند.

(س ۱۵۱) قرآنهایی که وقف مسجدالحرام یا مسجدالنبی و یا سایر مساجد می باشد، آیا حجاج و زائران می توانند آنها را جهت خواندن در منزل یا هتل به همراه خود بیاورند؟

ج - جایز نیست.

(مسئله ۱۵۲) برداشتن مقداری سنگ از کوه صفا و مروه، ولو فوق العاده هم کم باشد، جایز نیست و حرام است و آن دو کوه را خداوند جزء شعائر قرار داده، پس هرگونه تصرفی در آنها - غیر از اعمال عبادی و نشستن و تکیه دادن به آنها که معمول و مرسوم بوده و ضرری هم به آنها نمی زده - حرام است و تصرف در شعائرالله است.

(مسئله ۱۵۳) چون ازاله عین نجاست از امثال سنگ و اجسام صیقیلی از مطهرات است، بنابراین، تطهیر در مثل مسجدالحرام که سنگ فرش است با فرض یقین به نجس شدن آن، با وضع فعلی که با ریختن مختصر مایع، عین نجاست را زائل می نمایند، بعد از آنکه خشک شد و رطوبت مسریه اش از بین رفت، محکوم به طهارت است و پاک می باشد. کما اینکه اگر قبل از ریختن مایع عین نجاست زائل شده باشد، به محض زوال محکوم به طهارت است.

(س ۱۵۴) وضو گرفتن از وضوخانه های مسجدالحرام و مسجدالنبی که با نام (دورة المیاه) مشخص شده، در صورتی

که قصد خواندن نماز در آن امکنه مقدسه را ندارد، چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد، اگرچه احتیاط در ترك است. (مسئله ۱۵۵) وضو گرفتن از ظرفی که مخصوص آشامیدن می باشد، جایز نیست و صحیح نمی باشد و وضو با آنها باطل است.

(س ۱۵۶) تحیت مسجدالحرام، نماز است یا طواف؟
ج - تحیت مسجدالحرام همان طور که شهید ثانی(قدس سره) فرموده اند، طواف خانه خدا می باشد. (س ۱۵۷) یکی از مستحبات مکه، تلاوت قرآن و ختم آن است، آیا برای کسی که اعمال حج به جا می آورد و در روز عرفه و ایام تشریق، تلاوت قرآن را در عرفات و مشعر و منا ادامه می دهد، همان استحباب وجود دارد، یا خصوص شهر مکه است؟

ج - آن استحباب اختصاص به مکه دارد و چه نیکو و بهتر در عرفات که مخض برای دعا می باشد به ائمه معصومین(علیهم السلام) تأسی نموده و دعاها و اعمال وارده در آنجا را که در مناسک حج ذکر شده انجام دهد و اگر ختم قرآن در آنجا بهتر بود، قاعداً ائمه معصومین(علیهم السلام) آن را اختیار نموده و به آن امر می نمودند.

(مسئله ۱۵۸) مسافر می تواند برای خواستن حاجت سه روز در مدینه طیبه روزه بگیرد، اگرچه روزه قضا به گردن او باشد و نمی تواند نیت روزه قضا کند، و بنا بر احتیاط واجب، لازم است روزهای چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه باشد. (مسئله ۱۵۹) نماز طواف مستحبی حکم بقیه نمازهای مستحبی را ندارد و حتی نشسته هم نمی توان خواند و باید در مسجد خوانده شود.

(مسئله ۱۶۰) افرادی که در مکه و مدینه قصد ماندن ده روز را ندارند نمی توانند نوافل نمازهای ظهر و عصر و عشاء را بخوانند، چون تخییر در نماز ظهر و عصر و عشاء در اماکن تخییر، يك حکم اختصاصی نسبت به خود آنهاست نه نسبت به نوافل آنها.

(مسئله ۱۶۱) گاهی در مسجدالحرام و مسجدالنبی کفشهای انسان گم می شود، ولی در بیرون از مسجد یا در کنار حجر اسماعیل (علیه السلام) کفشهای فراوان روی هم ریخته می شود که اگر یقین شود که صاحبان آن کفشها راضی و از آنها اعراض کرده اند، برداشتن آنها اشکال ندارد.

(مسئله ۱۶۲) خوابیدن در مسجدالحرام و مسجدالنبی به عنوان استراحت و رفع خستگی، کراهت شدید دارد.

(س ۱۶۳) کسانی که بنا بر فتوای جناب عالی بر تقلید از مجتهد میّت باقی مانده اند:

۱. آیا جواز بقا مختص به مسائل عمل کرده می باشد، یا در مسائلی که عمل هم نکرده باشند، بقا جایز می باشد؟

۲. آیا مسائل عمل کرده را می توانند به جناب عالی رجوع کنند؟

ج ۱ - بقای بر تقلید از میّت هر چند در مسائلی که به آن عمل نکرده، همانند مسائلی که به آن عمل نموده، جایز می باشد.

ج ۲ - چون بقا مطلقاً جایز است، پس رجوع هم مطلقاً، حتی در مسائلی که عمل کرده اند، جایز است.

(س ۱۶۴) حکم اعمال کسی که بدون اجازه از مرجع زنده، بر تقلید از میّت باقی است، چیست؟

ج - اگر مرجع تقلیدی را که بعد از توجه و التفات انتخاب می نماید فتوای او جواز بقاست، اعمال گذشته اش صحیح است، چون اعمالش مطابق با حجت بوده هر چند به آن حجت توجه نداشته.

(مسئله ۱۶۵) در حال اختیار و در نمازهای فرادی که می توانند روی سنگ فرش سجده کنند، سجود بر فرش صحیح نیست و فرقی بین نماز واجب و مستحب و روضه مبارکه و غیر آن نیست.

(مسئله ۱۶۶) رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی و توقف در سایر مساجد برای زن مستحاضه در صورتی که غسلهای واجب خود را انجام داده باشد، مانعی ندارد.

(مسئله ۱۶۷) بنا بر احتیاط واجب، زن حائض و نفساء نباید در حرام امامان (علیهم السلام) توقف کند ولی رفتن آنها کنار دیوار بقیع برای زیارت مانعی ندارد.

(مسئله ۱۶۸) کسی که اول سال خمسی خود را نمی داند ولی از حقوق و درآمد تدریجی خود که يك سال از آن نگذشته است اموالی جمع کند و در همان سال هزینه سفر حج یا عمره کند، خمس آن واجب نیست.

(مسئله ۱۶۹) پولی که برای حج واجب واریز می کنند، چنانچه از درآمد همان سال ثبت نام کرده باشند، خمس ندارد، هرچند سالهای بعد نوبتشان بشود، اما اگر پول واریز شده متعلق خمس بوده مثل اینکه از سرمایه غیر مخمس شده برداشته اند یا از پولی که سال بر آن گذشته سپس واریز کرده اند، باید خمس آن را بدهند هر چند در همان سال ثبت نام به حج مشرف شوند.

(س ۱۷۰) آیا برای صحت اعمال عمره و حج - برای کسی که حسابرسی خمس ندارد، پرداخت خمس لباس احرام و لباسی که در طواف و نماز طواف می پوشد، کفایت می کند یا باید حسابرسی تمام اموال صورت گیرد؟

ج - به نظر این جانب کفایت نمودنش محل اشکال و مستلزم بعضی از محاذیر می باشد و نباید اکتفا نمود.

(س ۱۷۱) هم اکنون کسانی که قصد تشریف به حج را دارند، باید برای حفظ نوبت، مبلغ مقرری را به بانک سپارند که این مبلغ مطابق قرارداد مضاربه است و سودی نیز به آن تعلق می گیرد و زمانی که پس از مدتی، نوبت تشریف آن ها فرا می رسد، اصل پول و سود آن را دریافت می کنند و به سازمان حج و زیارت می سپارند و به حج مشرف می شوند، حال با توجه به اینکه سپردن پول به بانک مقدمه رفتن به حج است و چنانچه کسی این پول را به بانک نسپارد نوبتی را برای رفتن به حج نخواهد داشت و اکنون طریق رفتن به حج نیز همین است، آیا به اصل پول و سود آن خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج - مفروض سؤال در حکم مؤونه است و متعلق خمس نمی باشد.

(س ۱۷۲) برخی از زائران حرمین شریفین اظهار می دارند که فلان مبلغ را به ما داده اند تا در حرم مطهر نبوی (صلی الله علیه وآله) یا قبور مطهر ائمه بقیع (علیهم السلام)

بریزیم، با توجه به اینکه انداختن آنها در آن محلها غیر ممکن است، یا صرف در حرم، یا در مصرف مقرّر خود نخواهد شد و حاضر نیستند این وجوه را با خود برگردانند، آیا می توان آنها را در راه خیر، مثل کمک به فقرای شیعه صرف کرد؟

ج - می توانند به فقرای زائر یا فقرای شیعه که در آنجا هستند، بدهند.

(مسئله ۱۷۳) کسی که می خواهد از مدینه با نذر محرم شود سیغه نذر این است که بگوید: «لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أُحْرِمَ مِنَ الْمَدِينَةِ». یا به فارسی بگوید: «برای خدا بر من است که از مدینه محرم شوم».

(س ۱۷۴) گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت در نماز صبح، روز جمعه یا روزهای دیگر آیات سوره های سجده دار را می خواند و نمازگزاران در اثنای قرائت مانند اهل سنت به سجده می روند و بر می خیزند، در این صورت تکلیف چیست؟

ج - نمازشان را باید دو مرتبه بخوانند، هر چند که به سجده رفتن آنها به خاطر تقیّه باشد، چون حضور در نماز آنها لازم نبوده و بعد از حضور، تقیّه، مورد پیدا کرده. آری، باید دانست که به طور کلی قطع نظر از مسائل تقیّه، هرگاه نمازگزار آیه سجده را شنید، باید سجده را با اشاره سر انجام بدهد و بعد از نماز سجده درست انجام دهد، و ناگفته نماند که اگر اشتبهاً در نماز با آنها به جای سجده به رکوع برود، قطعاً نمازش باطل است، چون زیاده رکن حاصل شده و زیاده رکن ولو اشتبهاً سبب بطلان نماز است.

(س ۱۷۵) قصد اقامت در محله های جدید مکه با توجه به اینکه حجاج همه روزه به مسجد الحرام رفت و آمد دارند، چه صورتی دارد؟

۱. سوره های سجده دار عبارت اند از: ۱ - سوره سی و دوم (سجده)، ۲ - سوره چهل و یکم (فصلت)، ۳ - سوره پنجاه و سوم (نجم)، ۴ - سوره نود و ششم (علق).

ج - محلّه های جدید الاحداث که عرفاً جزو مکه محسوب می شوند، مانند محلّه های قدیم می باشد و رفت و آمد مضرّ به قصد اقامت نبوده و نماز تمام می باشد.



بخش دوم: دعای اشواط طواف و سعی

بخش دوم

دعای اشواط
طواف و سعی

سفید

دعای اشواط طواف

برای اینکه طواف کننده در تعداد دورهای طواف شك نکند، می تواند دعاهاى وارده را تقسیم کرده و در هر دور طواف بخشی از آن را به قصد رجاء بخواند، و اگر تکرار شد مانعی ندارد.

دعای دور اول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...» و حاجات خود را می خواهی.

دعای دور دوم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسَجِّرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي.»

پس می گویی:

«سَأَلْتُكَ فَقِيرٌكَ مَسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِقْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.»

دعای دور سوم:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَأَذْرَعْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفْهُ لِي، وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»

دعای دور چهارم

«يَاَ اللَّهِ يَاوَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ،
وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ، وَالْمُتَّفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ،
يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
وَارزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

دعای دور پنجم:

«أَلْحَمِدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا،
وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا، أَللَّهُمَّ اهْدِ لَنَا خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبْنَا شَرَّ
خَلْقِكَ، (پس می گوی) رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

دعای دور ششم:

«أَللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ
النَّارِ، أَللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، أَللَّهُمَّ إِنَّ
عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي، وَاعْفِرْ لِي مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ
خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ يَا اللَّهُ مِنَ النَّارِ».

دعای دور هفتم:

«أَللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجًا مِنْ دُنُوبٍ، وَأَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا، وَعِنْدَكَ
أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ، وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْتِغَاثِ خَلْقِهِ
إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ، اسْتَجِبْ لِي».

و حاجات خود را بخواه و بگو:

«أَللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

دعاى اشواط سعى

دعاى دور اول از صفا به مروه

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
الْكَرِيمِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ، وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسِيحُهُ لَيْلًا طَوِيلًا ، لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ ، لَا
شَيْءَ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ ، يُخَيِّبُ وَيُمِيتُ ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَلَا يَفُوتُ أَبَدًا
بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، رَبِّ اغْفِرْ
وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَكْرَّمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ ، إِنَّكَ
أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ ، رَبِّ نَجِّنَا مِنَ النَّارِ سَالِمِينَ غَانِمِينَ ، فَرَحِينَ
مُسْتَبْشِرِينَ مَعَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ
النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ،
ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا ، لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ
الْكَافِرُونَ .

نزدیک مروه این آیه خوانده می شود:

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ)

دعاى دور دوم از مروه به صفا

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ ،
الْفَرْدُ الصَّمَدُ ، الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وِلْدًا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ
فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا ، اَللَّهُمَّ إِنَّكَ
قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ : (أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) ، دَعْوَتَاكَ رَبَّنَا
فَاغْفِرْ لَنَا كَمَا أَمَرْتَنَا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ، رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا
مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا ، رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا
ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ، رَبَّنَا وَآتِنَا
مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
الْمِيعَادَ ، رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ، رَبَّنَا
اغْفِرْ لَنَا وَإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ ، وَلَا تَجْعَلْ فِي

قُلُوبِنَا غَلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ
وَاعْفُ وَتَكْرَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ
الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

(إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا
جَنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ).

دعای دور سوم از صفا به مروه

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، رَبَّنَا أْتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا
وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ
عَاجِلَهُ وَآجِلَهُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي، وَأَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَكْرَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ
تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا وَلَا تَزِرْ
قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.
اَللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي وَبَصَرِي، لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، اَللَّهُمَّ
إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ
لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى
تَرْضَى.

(إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا
جَنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ).

دعای دور چهارم از مروه به صفا

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ
مَا تَعْلَمُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ،
إِنَّكَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ
اللَّهِ الصَّادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِي لِلْإِسْلَامِ
أَنْ لَا تُنْزِعَهُ مِنِّي حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهِ وَأَنَا مُسْلِمٌ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي
قَلْبِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، اَللَّهُمَّ رَبِّ اشْرَحْ
لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ وَسَاوِسِ الصَّدْرِ وَشَتَاتِ
الْأَمْرِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي
اللَّيْلِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي النَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ مَا تَهَبُّ بِهِ الرِّيَّاحُ،
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ
مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ يَا اللَّهُ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَكْرَمْ وَتَجَاوَزْ
عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

(إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا
جَنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ).

دعای دور پنجم از صفا به مروه

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، سُبْحَانَكَ مَا شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا أَعْلَى شَأْنِكَ يَا اللَّهُ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ، وَزَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَكَرِّهْ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَكْرَّمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، اللَّهُمَّ قِنِّي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي بِالْهُدَى، وَنَقِّنِي بِالتَّقْوَى، وَأَغْفِرْ لِي فِي الْأَجْزَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ أُنَسِّطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ الْمُقِيمَ الَّذِي يَحُولُ وَلَا يَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي لِسَانِي نُورًا، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا، وَمِنْ فَوْقِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا، وَعَظِّمْ لِي نُورًا.

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي.

(إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ).

دعای دور ششم از مروه به صفا

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ وَغَدَهُ، وَتَصَرَّ عَبْدُهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقْيَ وَالْعِفَافَ وَالْغِنَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ وَمَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ وَفِعْلٍ أَوْ عَمَلٍ، اللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا، وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا، وَفِي كَنَفِكَ وَإِنْعَامِكَ وَعَطَائِكَ وَإِحْسَانِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَالْآخِرُ فَلَا بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَالظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ، وَالْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ، نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَلْسِ وَالْكَسَلِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَفِتْنَةِ الْغِنَى، وَنَسْأَلُكَ الْفُوزَ بِالْجَنَّةِ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَكْرَّمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

(إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ).

دعای دور هفتم از صفا به مروه

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ، وَزَيِّنْهُ فِي قَلْبِي، وَكَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ

وَالْعِصْيَانَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الرَّاشِدِينَ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَكْرَمْ
وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ
الْأَكْرَمُ، اَللّهُمَّ اخْتِمِ بِالْخَيْرَاتِ آجَالَنَا، وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ آمَالَنَا
وَسَهِّلْ لِبُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلَنَا، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ
أَعْمَالَنَا، يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى، يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى، يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى،
يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ، يَا ذَائِمَ الْمَعْرُوفِ، يَا مَنْ
لَاغْنَى بِشَيْءٍ عَنْهُ، وَلَا بُدَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ، يَا مَنْ رَزَقَ كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ،
وَمَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ، اَللّهُمَّ إِنِّي عَائِدُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا
، وَمِنْ شَرِّ مَا مَنَعْتَنَا، اَللّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ، وَالْجَنَّةَ بِالصَّالِحِينَ،
غَيْرَ حَزَائِيَا وَلَا مَفْتُونِينَ، رَبِّ يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ، رَبِّ أُنِّم بِالْخَيْرِ.
(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ).



بخش سوم: اعمال و آداب مدینه منوره

بخش سوم

اعمال و آداب مدینه منوره

و بعضی دعاهاى مأثورہ

۱. آداب زیارت.
۲. زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله).
۳. زیارت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام).
۴. زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) (امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر، امام صادق (علیهم السلام)).
۵. زیارت جامعه کبیره.
۶. زیارت امین الله.
۷. دعای عالیة المضامین.
۸. زیارت حضرت حمزه عموی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در أخذ.
۹. زیارت وداع.
۱۰. دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه.
۱۱. دعای کمیل.

اعمال و آداب مدینه منوره

مستحب است شخصی که به حج مشرف می شود، برای زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) و حضرت زهرا (علیها السلام) و ائمه بقیع (علیهم السلام) و سایر مشاهد مشرفه، به مدینه منوره مشرف شود.

از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده که: «زیارت بیت الله الحرام را به زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و زیارت قبوری که خداوند حق آنها و زیارت آنها را بر شما لازم نموده تمام کنید، به زیارت آن حضرت امر شده اید و ترك آن جفاست»^۱.

آداب زیارت

نخستین شرط زیارت «ادب» است و ادب هم در سایه معرفت و محبت پدید می آید. خود را در محضر رسول الله (صلی الله علیه وآله) دیدن، و در برابر قبور پاك امامان ایستادن، هم آداب ظاهری دارد، هم آداب باطنی. در این جا به برخی از آن آداب اشاره می کنیم:

۱. قبل از ورود به زیارتگاه، غسل کردن و با طهارت بودن و نیز مستحب است خواندن این دعا هنگام غسل زیارت: «بِسْمِ اللَّهِ وَ يَاَ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِزْزاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَ سَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي.

۲. لباس های پاکیزه پوشیدن و عطر و بوی خوش استعمال کردن.

۳. هنگام رفتن به زیارت، قدمهای کوتاه برداشتن، با آرامش و وقار راه رفتن، با خضوع و خشوع آمدن، و ترك کلمات بیهوده.

۱. وسائل الشیعة، ۳۲۴/۱۴، أبواب المزار، باب ۲/۱۰.

۴. هنگام رفتن به حرم و زیارت، زبان به تسبیح و حمد خدا گشودن و صلوات بر محمد و آل او فرستادن.

۵. بر درگاه حرم ایستادن و دعا خواندن، و اجازه ورود خواستن، و سعی در تحصیل رقت قلب و خشوع دل نمودن، و مقام و عظمت صاحب قبر را تصور نمودن، و اینکه او ما را می بیند، سخن ما را می شنود، و سلام ما را پاسخ می دهد.

۶. در وقت داخل شدن، پای راست را مقدم داشتن، و هنگام خروج از حرم پای چپ را، آن گونه که در ورود و خروج مسجد مستحب است.

۷. در برابر ضریح مطهر ایستادن و زیارت نامه خواندن.
۸. صاحب قبر را برای بر آمدن حاجت و رفع نیاز نزد خداوند شفیع قرار دادن.

۹. اگر عذری و ضعفی ندارد، ایستادن هنگام خواندن زیارت.

۱۰. خواندن دو رکعت نماز زیارت در حرم مطهر، و اگر زیارت ائمه معصومین (علیهم السلام) باشد بالای سر بهتر است و پس از نماز، دعاهای منقول را خواندن، و حاجت طلبیدن، و تلاوت قرآن با آرامش و ترتیل و طمأنینه و هدیه کردن ثواب آن به روح مقدس آن معصوم (علیه السلام).

اذن دخول جهت زیارت

پسندیده است زائر هنگامی که خواست به حرم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا یکی از مشاهد مشرفه داخل شود، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ، وَ قَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ»، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ
حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَ
أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرْوَنُ
مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي، وَ أَنتَ حَاجِبْتَنِي عَنْ سَمْعِ كَلَامِهِمْ، وَ
فَتَحْتَ بَابِ فَهْمِي بِلَدِينِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَ إِنِّي أَسْتَاذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَى، وَ

أَسْتَأْذِنُ رَسُوْلَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيْفَتَكَ الْإِمَامَ
الْمَفْرُوْضَ عَلَيَّ طَاعْتُهُ فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ»^۱.

و به جای فلان بن فلان نام آن امامی را که می خواهد زیارت کند و همچنین نام مبارک پدرشان را ببرد مثلا اگر در زیارت امام حسین (علیه السلام) است، بگوید: «الْحُسَيْنَ بِنُ عَلِيٍّ (عليه السلام)» و اگر در زیارت امام رضا (علیه السلام) است، بگوید: «عَلِيٍّ بِنُ مُوسَى الرَّضَا (عليه السلام)» و هكذا، پس ادامه دهد:

«وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِيْنَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، ءَاذْخُلُ يَا رَسُوْلَ اللهِ، ءَاذْخُلُ يَا حُجَّةَ اللهِ، ءَاذْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللهِ الْمُقَرَّبِيْنَ الْمُقِيْمِيْنَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذْنُ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُوْلِ أَفْضَلَ مَا أَذْنَتْ لِإِحْدٍ مِنْ أَوْلِيَآئِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِبَيْتِكَ فَانْتَهِ لِي بِذَلِكَ» پس عتبه مبارکه را ببوسد و داخل شود و بگوید: «بِسْمِ اللهِ وَ بِيَاللهِ وَ فِي سَبِيْلِ اللهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَ تُبِّ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ».

زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله)

کیفیت زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) چنین است که چون شخص داخل مسجد آن حضرت شود، نزدیک در بایستد و اذن دخول را بخواند و از درب جبرئیل وارد شود و پای راست خود را در وقت دخول مقدم بدارد، پس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، سپس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذارد و به سمت حجره شریفه برود و آن جا بایستد و بگوید:

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّيْنَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ، وَ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ اَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوْفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ عِبَدْتَ اللهَ مُخْلِصًا حَتَّى اَتَيْتَ الْيَقِيْنَ، فَصَلَّوْا اللهُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَتُهُ وَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِيْنَ».

پس نزد ستون پیش که در جانب راست قبر است و رو به قبله بایستد، به صورتی که دوش چپ او به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر، که آن موضع رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است، و بگوید:

۱. در صورتی که زیارت یکی از ائمه معصومین (علیهم السلام) باشد.

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عِبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَ غَلُظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَالضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَ آتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيْطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً»، وَ إِنِّي آتَيْتُكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي، وَ إِنِّي آتُوجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي».

و اگر حاجتی داشته باشد، قبر مطهر را در قسمت پشت کتف خود قرار دهد و رو به قبله کند و دستها را به دعا بردارد و حاجت خود را بطلبد، که سزاوار است که برآورده شود **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى**.

سپس دو رکعت نماز زیارت خوانده، و ثواب آن را به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) اهدا کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَحَدَّكَ لِشَرِيكَ لَكَ لِإِنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ رَسُولِ اللَّهِ ٩، فَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ، وَاجْرِنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي، وَرَجَّأِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

زیارت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

حضرت زهرا (علیها السلام) نزد خداوند مقامی بس والا دارد، و در زیارت آن بانوی بزرگ و فداکار، پاداشی عظیم است. به نقل علامه مجلسی در مصباح الأنوار، حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: پدرم به من فرمود: هر که بر تو صلوات بفرستد، خداوند متعال او را بیامزرد، و در هر جای از بهشت که باشم، او را به من ملحق سازد.

جای دقیق قبر آن حضرت، معلوم نیست. برخی مدفن او را در حرم پیامبر (بین قبر و منبر) می دانند، برخی گفته اند در خانه خودش (کنار مرقد پیامبر) دفن شده، بعضی هم مدفن او را در بقیع و در کنار قبر ائمه (علیهم السلام) می دانند. و بهتر است که در هر سه مکان، آن حضرت را زیارت کنی.

وقتی در هر یک از این مواضع ایستادی، خطاب به آن معصومه مطهره و پاره تن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کرده، و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِّيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّديقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْخُورَاءُ الْأَنْبِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَبَنِيكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْتَةِ مَنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ، لِإِنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ، وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ سَلَامِ اللَّهِ وَأَفْضَلُ صَلَوَاتِهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَمَّنْ سَخَطْتَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّاتِ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ، مُجِبُّ لِمَنْ أَحْبَبْتِ، وَكَفَى يَا اللَّهُ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَارِياً وَمُثِيباً».

سپس می گویی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَخَيْرِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَصَلِّ عَلَى وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَامَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ، وَصَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَصَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَصَلِّ عَلَى الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى كَاسِمِ الْغَيْظِ

فِي اللَّهِ مُوسَىٰ بِنِ جَعْفَرٍ، وَصَلَّىٰ عَلَى الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَصَلَّىٰ عَلَى النَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَصَلَّىٰ عَلَى النَّقِيِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصَلَّىٰ عَلَى الرَّكِيِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَصَلَّىٰ عَلَى الْحَجَّةِ الْقَائِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، أَللَّهُمَّ أَحْيِ بِهِ الْعَدَلَ، وَأَمِّتْ بِهِ الْجُورَ، وَزَيِّنْ بِبَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّىٰ لَا يَسْتَحْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَشْيَاعِهِ وَاتِّبَاعِهِ، وَالْمَقْبُولِينَ فِي زُمْرَةِ أَوْلِيَاءِهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً».

سپس دو رکعت نماز بگزار، و ثواب آن را به روح منور حضرت زهرا(علیها السلام) هدیه کن، آن گاه این دعا را بخوان :

«أَللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ، عَلَيْهِمْ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ، وَبِأَسْمَاءِكَ الْخُسْنَى الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي أَمَرْتَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَاجَابَتْهُ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، فَكَانَتْ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَبِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا وَأَعْظَمِهَا لَدَيْكَ، وَأَسْرَعِهَا إِجَابَةً وَأَنْجَحِهَا طَلِبَةً، وَبِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحَقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَتَضَرَّعُ وَأَلْحُ عَلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ، وَبِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَاءِكَ الْعَظْمَى، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيَعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي، وَتَفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي، وَتَرْفَعَهُ فِي عَلَيِّينَ، وَتَأْذَنَ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ بَفَرَجِي وَإِعْطَاءِ أَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي تُقْضَى بِهِ حَاجَةٌ مَنْ يَدْعُوهُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْإِسْمِ، فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَتُسْمِعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحَجَّةَ الْمُنتَظِرَ لِإِذْنِكَ، صَلَوَاتِكَ وَسَلَامِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي لِيَسْمَعُوا لِي إِلَيْكَ، وَتَشْفَعَهُمْ فِيَّ، وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

و حوائج خود را بخواه، إن شاء الله برآورده می شود.

زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام)

چون خواستی این بزرگواران را زیارت کنی، در اذن دخول بگو:

«یا موالی یا أبناء رسولِ الله، عندکم و ابنُ اَمَتِکُم الذَّلِيلُ بَیْنَ اَیْدِیْکُم، وَالمُضْعَفُ فی عُلُوِّ قَدْرِکُم، وَالمُعْتَرِفُ بِحَقِّکُم، جاءکُم مُسْتَجِیراً بِکُم، قاصداً إلی حَزْمِکُم، مُتَقَرِّباً إلی مَقامِکُم، مُتَوَسِّلاً إلی الله تَعالی بِکُم، ءَأَدْخُلُ یا موالِی، ءَأَدْخُلُ یا أولِیاءَ الله، ءَأَدْخُلُ یا ملائِکَةَ الله الْمُخْلِقیْنَ بِهَذَا الحَزْمِ، المُقِیْمِیْنَ بِهَذَا المُشْهَدِ.»

و بعد از خضوع و رقت قلب داخل شو و پای راست را مقدم

بدار و بگو:

«اللهُ أَكْبَرُ کَبِیراً، وَالحَمْدُ لله َ کَثِیراً، وَ سُبْحانَ الله بُکْرَةً وَ أَصِیلاً، وَالحَمْدُ لله َ الفَرْدُ الصَّمَدِ، المَاجِدِ الأَحَدِ، المُتَفَضِّلِ المَنانِ، المُتَطَوِّلِ الخَنانِ، الَّذی مَنَّ بِطَوْلِهِ، وَسَهَّلَ زیارَةَ ساداتِی بِإِحسانِهِ، وَلمْ یَجْعَلْنی عَن زیارَتِهِمْ مَمْنوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ.»

سپس نزدیک قبور مقدس ایشان برو، و پشت به قبله و رو

به قبر ایشان کن، و بگو:

«الْسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَیْمَةَ الْهُدَى، اَلْسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَهْلُ التَّقْوَى، اَلْسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الخَجَجُ عَلی اَهْلِ الدُّنْیَا، اَلْسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا القَوَامُ فی الْبَرِیَّةِ بِالْقِسْطِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَهْلُ الصَّفْوَةِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْکُمْ آلَ رَسولِ الله، اَلْسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَهْلُ النُّجْوَى، اَشْهَدُ اَنَّکُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فی ذَاتِ الله، وَکَذَّبْتُمْ وَ اَسِیْتُمْ اِلَیْکُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَ اَشْهَدُ اَنَّکُمْ الْاَیْمَةُ الرَاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَ اَنَّ طَاعَتِکُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَ اَنَّ قَوْلِکُمُ الصِّدْقُ، وَ اَنَّکُمْ دَعْوَتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَ اَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَ اَنَّکُمْ دَعَائِمُ الدِّینِ وَ اَرْکانُ الْاَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَیْنِ الله، یَنْسَخُکُمْ مِنْ اَضْلابِ کُلِّ مُطَهَّرٍ، وَ یَنْقُلُکُمْ مِنْ اَرْحامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدَنَّسْکُمْ الْجَاهِلِیَّةُ الْجُهْلَاءُ، وَ لَمْ تَشْرَکْ فیْکُمْ فِتْنُ الْاَهْوَآءِ، طَبْتُمْ وَ طَابَ مُنْبَتُکُمْ، مَنْ بِکُمْ عَلَینَا دِیانُ الدِّینِ، فَجَعَلْکُمْ فی بَیوتِ اَذْنِ الله اَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیْها اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلَاتِنا عَلَیْکُمْ رَحْمَةً لَنا وَ کَفَّارَةً لِذُنُوبِنا، إِذِ اخْتَارَکُمْ اللهُ لَنا، وَ طَیَّبَ خَلْقِنا بِما مَنَّ عَلَینَا مِنْ وِلايَتِکُمْ، وَکُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّیْنَ بِعِلْمِکُمْ، مُعْتَرِفِیْنَ بِتَصَدِیقِنا إَیْاکُمْ، وَ هَذَا مَقامُ مَنْ اَسْرَفَ وَ اَخْطَا وَ اسْتَکَانَ وَ اَقْرَبَ بِما جَنی، وَ رَجى بِمَقامِهِ الْخِلاصَ، وَ اَنَّ یَسْتَنْقِذَهُ بِکُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْکِی مِنَ الرِّدْی، فَکُونُوا لی شُفَعاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ اِلَیْکُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْکُمْ اَهْلُ الدُّنْیَا، وَ اتَّخَذُوا آیاتِ

اللَّهُ هُرُوءًا، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي، وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَحَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مَأُتُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ، بِحُزْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی.

شیخ طوسی (رحمه الله) در تہذیب فرموده: بعد از آن ہشت رکعت نماز زیارت بجا آور، یعنی از برای ہر امامی دو رکعت.

زیارت امام حسن مجتبی (علیہ السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ حِكْمَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبِرُّ الثَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّنْزِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاهِرُ الْخَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

زیارت امام زین العابدین (علیہ السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ وَصَايَا الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضَوْءَ الْمُسْتَوْحِشِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْمُجْتَهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَاجَ الْمُرتَاضِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ذَخِيرَةَ الْمُتَعَبِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْعِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَكِينَةَ الْجُلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ الْقِصَاصِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ

الخلاص، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ النَّدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَدْرَ الدُّجَى،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَاهُ الْخَلِيمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّابِرُ
الْحَكِيمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَئِيسَ الْبُكَائِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ
الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ
حُجَّتِهِ وَأَبُو حُجَجِهِ، وَابْنُ أَمِينِهِ وَابْنُ أَمْنَاءِهِ، وَأَنَّكَ نَاصِحَتْ فِي عِبَادَةِ
رَبِّكَ، وَسَارَعَتْ فِي مَرْضَاتِهِ، وَخَيَّبَتْ أَعْدَاءَهُ، وَسَرَزَتْ أَوْلِيَاءَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
قَدْ عَبَدْتَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ، وَاتَّقَيْتَهُ، حَقَّ تَقَاتِهِ، وَأَطَعْتَهُ حَقَّ طَاعَتِهِ، حَتَّى
أَتَيْكَ الْيَقِينُ، فَعَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلَ التَّجِيَّةِ، وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

زيارت امام محمد باقر(عليه السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاقِرُ بِعِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاجِصُ عَنْ
دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبِينُ لِحُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْقَائِمُ بِقِسْطِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِحُ لِعِبَادِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّلِيلُ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْحَبْلُ الْمَتِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَضْلُ الْمُبِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْوَالِدُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْبَلِغُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْأَسْرَجُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّجْمُ الْأَزْهَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكُوكَبُ الْأَبْهَرُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْرَةُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَعْصُومُ مِنْ
الزَّلَّاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّكْبِيُّ فِي الْحَسْبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الرَّفِيعُ فِي النَّسَبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ قَدْ صَدَعْتَ بِالْحَقِّ صَدْعاً،
وَبَقَرْتَ الْعِلْمَ بِقُرْأٍ، وَنَثَرْتَهُ نَثْراً، لَمْ تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَكُنْتَ
لِدِينِ اللَّهِ مُكَاتِماً، وَقَضَيْتَ مَا كَانَ عَلَيْكَ، وَأَخْرَجْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ وِلَايَةِ غَيْرِ اللَّهِ
إِلَى وِلَايَةِ اللَّهِ، وَأَمَرْتَ بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَنَهَيْتَ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، حَتَّى قَبِضَكَ اللَّهُ إِلَى
رِضْوَانِهِ، وَذَهَبَ بِكَ إِلَى دَارِ كَرَامَتِهِ، وَإِلَى مَسَاكِينِ أَصْفِيَاءِهِ، وَمُجَاوِزَةِ
أَوْلِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

زيارت امام صادق(عليه السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّادِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ
النَّاطِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَائِقُ الزَّائِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
السَّنَامُ الْأَعْظَمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مِصْبَاحَ الظُّلُمَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَافِعَ الْمُعْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مِفْتَاحَ الْخَيْرَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْبَرَكَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

صاحب الخُججِ والدَّلالاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يا صاحبَ البَراهِينِ الوَاضِحَاتِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يا ناصرَ دينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يا ناسِرَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يا فاصِلَ الخُطاباتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يا كاشِفَ الكُربَاتِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يا عميدَ الصّادِقينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يا لسانَ النّاطِقينَ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يا خَلفَ الخائِفينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يا زعيمَ الصّادِقينَ الصّالِحينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يا سيّدَ المُسلمينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يا هاديَ المُضِلّينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يا سَكَنَ الطّائِعينَ، أَشْهَدُ يا مَولايَ أَنَّكَ عَلى الهُدَى،
وَالعُزوةُ الوُثقَى، وَشَمسُ الضُّحَى، وَبَحْرُ المَدى، وَكَهفُ الوَوى، وَالْمَثَلُ
الأَعلى، صَلَّى اللَّهُ عَلى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلى العَباسِ عَمَّ رَسولُ
اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سپس برای هر امامی دو رکعت نماز می خوانی.
به تصریح اکثر بزرگان بهترین زیارت برای ائمه
بقیع (علیهم السلام) همان زیارت جامعہ کبیرہ است.

زیارت جامعہ کبیرہ

از حضرت امام علی النقی (علیه السلام) روایت شده است که
فرمود هرگاه خواستی یکی از ائمه را زیارت کنی چون به
درگاه رسیدی بایست و شهادتین را بگو:
«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسولُهُ».

و با حال غسل باش و چون داخل حرم شدی و قبر را دیدی
بایست و سی مرتبه «اللَّهُ اكْبَرُ» بگو، پس اندکی با آرامش دل و
تن راه برو و گامها را نزدیک یکدیگر بگذار، سپس بایست و
سی مرتبه «اللَّهُ اكْبَرُ» بگو. آن گاه نزدیک قبر مطهر برو و چهل
مرتبه «اللَّهُ اكْبَرُ» بگو تا صد تکبیر تمام شده باشد، پس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ
المَلائِكَةِ، وَ مَهبطِ الوَحْيِ، وَ مَعينِ الرَّحْمَةِ، وَ خُزَّانِ العِلْمِ، وَ مُنتَهَى
الجِلمِ، وَ أَصولِ الكَرَمِ، وَ قَادَةَ الأُمَمِ، وَ أولِياءِ النِّعمِ، وَ عِناصِرِ
الأَبْرارِ وَ دَعائِمِ الأَخيارِ، وَ ساسَةَ العِبادِ، وَ أَركانِ الأَيلادِ، وَ أَبوابِ
الأَيمانِ، وَ أَمَناءِ الرَّحْمَنِ، وَ سَلاتَةِ النُّبيّينَ، وَ صَفوةِ المُرسَلينَ، وَ
عِزَّةِ خِيرةِ رَبِّ العالَمينَ، وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلى أئِمَّةِ
الهُدى، وَ مَصابيحِ الدُّجى، وَ أعلامِ التَّقَى، وَ ذَوِي النُّهى، وَ أولِي الحِجى،
وَ كَهفِ الوَوى، وَ وَرثةِ الأَنبياءِ، وَ الْمَثَلِ الأَعلى، وَ الدَّعوةِ الحُسنى، وَ
حُججِ اللَّهِ عَلى أَهْلِ الدُّنيا وَ الأَخرةِ وَ الأُولى، وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ

على محال معرفة الله، و مساكن بركة الله، و معادن حكمة الله، و حفظه سر الله،
و حملة كتاب الله، و أوصياء نبي الله، و ذرية رسول الله صلى الله عليه وآله،
و رحمته الله و بركاته، السلام على الدعاة إلى الله، والأدلاء على
مرضات الله، والمستقرين في أمر الله، والتأمين في محبة الله، والمخلصين
في توحيد الله، والمظهرين لإمر الله و نهيهِ، و عباده المكرمين، الذين
لا يسبقونهُ بالقول و هم يأمره يعملون، و رحمته الله و بركاته، السلام
على الأئمة الدعاة، والقادة الهداة، والسادة الولاة، والذادة
الخمسة، و أهل الذكر و أولى الأمر، و بقية الله و خيرته، و حزيه و
غيبة علمه و حجته و صراطه و ثوره و بزاهنه و رحمته الله و بركاته،
أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له كما شهد الله لنفسه و شهدت له
ملائكته و أولوا العلم من خلقه لا إله إلا هو العزيز الحكيم و أشهد
أن محمدا عبده المنتجب و رسوله المرتضى، أرسله بالهدى و دين الحق
ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون، و أشهد أنكم الأئمة
الراشدون المهديون المعصومون المكرمون المقرَّبون المتقون
الصادقون المصطفون، المطيعون لله، القوامون بأمره، العاملون
بإرادته، الفايئون بكرامته، إصفاكم بعلمه، وارتضاكم لغيره،
واختاركم لسره، واجتبيكم بقدرته، و أعزكم بهداه و خصكم ببزاهنه،
وانتجبكم لنوره، و أيدكم بزوجه، و رضيكم خلفاء في أرضه، و حججا
على بريته، و أنصارا لدينه، و حفظه لسره، و خزنة لعلمه، و
مستودعا لحكمته، و تراجمة لوحيه، و أركاناً لتوحيده، و شهداء على
خلقهِ، و أعلاماً لعباده، و منارا في بيلاده، و أدلاء على صراطه، عصمكم
الله من الزلزل، و آمنكم من الفتن، و طهركم من الدنس، و أذهب عنكم
الرجس و طهركم تطهيراً، فعظمتكم جلالة، و أكبرتكم شأنه، و مجدتكم
كرمه، و آدمتكم ذكراه، و كدنتم ميثاقه، و أحكمتكم عقد طاعته، و
نصحتكم له في السرِّ و العلانية، و دعوتكم إلى سبيله بالحكمة و الموعظة
الحسنة، و بدلتكم أنفسكم في مرضاته، و صبرتكم على ما أصابكم في
جنبيه، و أقمتم الصلوة، و آتيتم الزكاة، و أمرتكم بالمعروف، و نهيتكم
عن المنكر، و جاهدتم في الله حق جهاده، حتى أعلنتم دعوته، و بيئتم
فرائضه، و أقمتم حدوده، و نشرتم شرايع أحكامه، و سننتم سنته، و
صرتم في ذلك منه إلى الرضا، و سلمتم له القضاء، و صدقتم من رسله
من مضي، فالزأغب عنكم مارق، و اللازم لكم لاجق، و المقصّر في حقكم
زاهق، و الحق معكم، و فيكم و منكم و إليكم، و أنتم أهله، و معينه،
وميراث النبوة عندكم، و إياب الخلق إليكم، و حسابهم عليكم، و فضل

الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَ آيَاتِ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَ عَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ
عِنْدَكُمْ، وَ أَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ
اللَّهَ، وَ مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ
فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ [السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَ] الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَ شُهَدَاءُ دَارِ
الْفَنَاءِ، وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَ الْآيَةُ الْمَخْرُوتَةُ،
وَ الْإِمَانَةُ الْمُخْفُوظَةُ، وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ آتَيْكُمْ نَجَى، وَ مَنْ
لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَ عَلَيْهِ تَدْلُونَ، وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ، وَ لَهُ
تُسَلَّمُونَ، وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَ إِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَ بِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ،
سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ،
وَ فَارَ مَنْ تَمَسَكَ بِكُمْ، وَ آمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَ هُدِيَ
مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوِيهِ، وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ
مَثْوِيهِ، وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي
أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَ جَارٍ لَكُمْ
فِيمَا بَقِيَ، وَ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاجِدَةٌ، طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ
بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً، فَجَعَلَكُمْ بَعْضُهُمْ مُخَدِّقِينَ، حَتَّى مَنْ
عَلِينَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ،
وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصْنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ طَيْباً لِيُخْلَقْنَا، وَ
طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَ تَرْكِيئَةً لَنَا، وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ
بِفَضْلِكُمْ، وَ مَعْرُوفِينَ بِتَضَدِّقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ
الْمُكَرَّمِينَ، وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ
لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَ لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَ لَا يَطْمَعُ فِي
إِذْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَ لَا صَدِيقٌ وَ لَا
شَهِيدٌ، وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ، وَ لَا ذَنْبِيٌّ وَ لَا فَاضِلٌ، وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَ لَا
فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَ لَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَ لَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ
شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ، وَ عَظَمَ خَطْرَكُمْ، وَ كَبَّرَ شَانِكُمْ، وَ تَمَامَ
نُورِكُمْ وَ صِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ، وَ ثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَ شَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَ مَنْزِلَتِكُمْ
عِنْدَهُ، وَ كَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَ خَاصَّتْكُمْ لَدَيْهِ، وَ قَرَّبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، بِأَبَى
أَنْتُمْ وَ أُمَّيْ وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أَسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ
وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَانِكُمْ وَ
بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِوَلِيَّائِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ
وَ مُعَادٍ لَهُمْ، سَلَّمَ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَ حَزَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ،
مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُخْتَمِلٌ
لِعِلْمِكُمْ، مُخْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرِجْعَتِكُمْ،

مُنْتَظَرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَائِدٌ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَ مُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَ مُقَدَّمٌ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ أَوْلِيَكُمْ وَ آخِرِكُمْ، وَ مُقَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَ قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ، وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُخَيِّرَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَ يَزِدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَ يُظَهِّرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَ يُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامِعٌ غَيْرِكُمْ، آمَنْتُ بِكُمْ، وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَ كُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنَ الْجَبْتِ وَالطَّاعُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَ حَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، وَ الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَ الْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ، وَ الْغَاصِبِينَ لِأَرْثِكُمْ، وَ الشَّاكِينَ فِيكُمْ، وَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَ مِنْ كُلِّ وَ لِيَجْهَ دُونَكُمْ، وَ كُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَ مِنَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، فَتَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّتْ عَلَى مَوَالِيَتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ، وَ وَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ، وَ رَزَقَنِي شِفَاعَتَكُمْ، وَ جَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيِكُمْ، التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَسُ آثَارَكُمْ، وَ يَسْأَلُكُمْ سَبِيلَكُمْ، وَ يَهْتَدِي بِهَدْيِكُمْ، وَ يُخَشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَ يَكْرِ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَ يُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَ يُشْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَ يُمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَ تَقِرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَاكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، وَ مَنْ وَحَدَهُ قِيلَ عَنْكُمْ، وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِيٌّ لَا أَحْصَى ثَنَائِكُمْ، وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ، وَ حُجَجُ الْجَبَّارِيكُمُ فَتَحَّ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتَمُ، وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْعَيْثُ، وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشَفُ الضَّرُّ، وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ إِلَى جَدِّكُمْ».

و اگر زیارت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) باشد به جای: «وَ إِلَى جَدِّكُمْ» بگو:

«وَ إِلَى أَخِيكَ، بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ، آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَا كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ، وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِقَضَائِكُمْ، وَ دَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَ فَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ لَايَتَكُمْ غَضَبَ الرَّحْمَنِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الدَّاكِرِينَ، وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَ أَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، وَ آثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ،

وَقُبُورِكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَخْلَى أَسْمَائِكُمْ، وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَ أَعْظَمَ شَانَكُمْ، وَ أَجَلَ خَطَرِكُمْ، وَ أَوْفَى عَهْدِكُمْ، وَ أَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلَامِكُمْ نُورٌ، وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى، وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ، وَ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، وَ شَانُكُمْ الْحَقُّ، وَ الصَّدْقُ وَالرَّفْقُ، وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حَتْمٌ، وَ زَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ جِلْمٌ وَ حَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فِرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَاوِيَهُ وَ مُنْتَهَاهُ، يَا بِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَ أَحْصَى جَمِيلَ بَلَائِكُمْ، وَ يَكُمُ أَخْرَجْنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ، وَ فَرَجَ عَنَّا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَ أَنْقَدْنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ، يَا بِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمْنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَ عَظُمَتِ النُّعْمَةُ، وَ انْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ تَقَبَّلَ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ، وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةَ الْوَاجِبَةَ، وَ الدَّرَجَاتِ الرَّفِيعَةَ، وَ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، وَ الْمَكَانَ الْمَعْلُومَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ الْجَاهُ الْعَظِيمَ، وَ الشَّانَ الْكَبِيرَ، وَ الشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَكَثَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تَزِرُ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولاً، يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَيَحَقِّقْ مَنْ انْتَمَنَّا عَلَيْكَ سِرَّهُ، وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَ قَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي، وَ كُنْتُمْ شَفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيُّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شَفَعَائِي، فَيَحَقِّقَهُمُ الَّذِي أَوْجَبَتْ لَهُمْ عَلَيْكَ اسْتِئْذَانِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ يَحَقِّقَهُمْ، وَ فِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ».

زیارت امین الله

زیارت امین الله، در نهایت اعتبار است و باید در همه روضات مقدسه بر خواندن آن اهتمام شود.

کیفیت زیارت امین الله چنان است که روایت شده امام زین العابدین (علیه السلام) به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْدَانِكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، اَللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّغَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُجَبَّةً لِبُصْفَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِبَفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فِرْحَةِ لِقَائِكَ، مُتْرَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِاخْتِلَاقِ أَعْدَائِكَ، مُشْعُوَلَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ».

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و فرمود:

«اَللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالِهَةٌ، وَسُبُلَ الرَّاٰغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ، وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ، وَأَفْئِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ، وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ، وَأَبْوَابَ الْاٰجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ، وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعِبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْاٰغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مُوجُودَةٌ، وَالْاٰعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُودَةٌ، وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ، وَزَلَّلَ مِنْ اسْتِقَالِكَ مُقَالَةً، وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ، وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ، وَجَوَائِزَ السَّآئِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةٌ، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ مُتْرَعَةٌ، اَللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَاقْبَلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَآئِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مَنَائِ وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَائِ».

دعای عالیة المضامین

بعد از زیارت هر یک از ائمه معصومین (علیهم السلام) از فرزندان امیرالمؤمنین (علیه السلام) خوانده می شود:

«اَللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْأَمَامَ مُقِرًّا بِإِمَامَتِهِ مُعْتَقِدًا لِفَرِيضِ طَاعَتِهِ فَقَصَدْتُ مَشْهُدَهُ بِذُنُوبِي وَعَيْبُوبِي وَمُوبِقَاتِ آثَامِي وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ مُسْتَعِيدًا بِجَلْمِكَ رَاجِيًا رَحْمَتَكَ لِاجْتِنَاءِ إِلَى رُكْنِكَ عَائِدًا بِرَأْفَتِكَ مُسْتَشْفِعًا بِوَلِيَّتِكَ وَابْنِ أَوْلِيَآئِكَ وَصَفِيَّتِكَ وَأَبْنِ أَصْفِيَآئِكَ وَأَمِيرِنِكَ وَابْنِ أَمْنَائِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَابْنِ خُلَفَائِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ

۱. اگر این زیارت برای غیر حضرت علی (علیه السلام) خوانده شود، «السلام عليك يا اميرالمؤمنين» در آن گفته نمی شود.

الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَالذَّرِيعَةَ إِلَى رَأْفَتِكَ وَعُفْرَانِكَ اللَّهُمَّ
وَأَوَّلُ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَى كَثْرَتِهَا وَأَنْ
تَعِصِمَنِي فِيهَا بَقِيَّ مِنْ عُمْرِي وَتُطَهِّرَ دِينِي مِمَّا يُدْنِسُهُ وَيَشِينُهُ وَيُزْرِي بِهِ
وَتُخَمِّمَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشُّكِّ وَالْفَسَادِ وَالشَّرِّكَ وَتَثَبِّتَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ
رَسُولِكَ وَذُرِّيَّتِهِ النَّجْبَاءِ السُّعْدَاءِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامِكَ وَبَرَكَاتِكَ
وَتُخَيِّبَنِي مَا أُخَيِّبُنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَتُمِيتَنِي إِذَا أُمِتَّنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَأَنْ
لَا تَمُخُّ مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ أَعْدَائِهِمْ وَمُرَافَقَةَ أَوْلِيَائِهِمْ
وَبِرَّهْمُ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي وَتُحِبِّبَ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ وَالْمُؤَاطَبَةَ
عَلَيْهَا وَتُنَشِّطَنِي لَهَا وَتُبَغِّضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَمَحَارِمَكَ وَتُدْفَعَنِي عَنْهَا
وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي صَلَوَاتِي وَالْأَسْتِهَانَةَ بِهَا وَالتَّرَاجِي عَنْهَا وَتُوفِّقَنِي
لِتَأْدِيبَتِهَا كَمَا فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ خُضُوعاً وَخُشُوعاً وَتَشْرَحَ صَدْرِي لِإِتْيَاءِ الزُّكُوةِ وَإِعْطَاءِ
الصَّدَقَاتِ وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسَانِ إِلَى شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)
وَمُؤَاسَاتِهِمْ وَلَا تَتُوفَّأَنِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَرْزُقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ
قَبْرِ نَبِيِّكَ وَقَبُورِ الْأَئِمَّةِ (عليهم السلام) وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَوْبَةَ نَصُوحاً
تَرْضَاهَا وَنِيَّةً تَحْمَدُهَا وَعَمَلاً صَالِحاً تَقْبَلُهُ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا
تُوفِّقْتَنِي وَتُهَوِّنَ عَلَيَّ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَتَحْشُرَنِي فِي رُؤْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتِ
اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيراً فِي طَاعَتِكَ
وَعَبْرَتِي جَارِيَةً فِيهَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَقَلْبِي عَطُوفاً عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَتُصَوِّنِي
فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْأَفَاتِ وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ وَالْأَسْقَامِ
الْمُزْمِنَةِ وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْحَوَادِثِ وَتُصَرِّفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ وَتُبَغِّضَ
إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَتُحِبِّبَ إِلَيَّ الْخَلَالَ وَتُفْتَحَ لِي أَبْوَابَهُ وَتَثَبِّتَ نِيَّتِي وَفَعَلِي
عَلَيْهِ وَتَمُدَّ فِي عُمْرِي وَتُغْلِقَ أَبْوَابَ الْمِحْنِ عَنِّي وَلَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ بِهِ
عَلَيَّ وَلَا تَسْتَرِدَّ شَيْئاً مِمَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ وَلَا تَنْزِعَ مِنِّي النِّعَمَ الَّتِي
أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَتَزِيدَ فِيهَا حَوْلَتَنِي وَتَضَاعَفَهُ أضعافاً مُضَاعَفَةً وَتَرْزُقَنِي
مَالاً كَثِيراً وَاسِعاً سَائِغاً هَنِيئاً نَامِياً وَافِياً وَعِزّاً بَاقِياً كَافِياً وَجَاهاً
عَرِيضاً مَنِيحاً وَنِعْمَةً سَابِغَةً عَامَّةً وَتُغْنِيَنِي بِذَلِكَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُنْكَدَّةِ
وَالْمَوَارِدِ الصَّعْبَةِ وَتُحَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافاً فِي دِينِي وَنَفْسِي وَوَلَدِي وَمَا
أَعْطَيْتَنِي وَمَنْحَتَنِي وَتُحْفَظَ عَلَيَّ مَالِي وَجَمِيعَ مَا حَوَّلْتَنِي وَتَقْبِضَ عَنِّي أَيْدِي
الْجَبَابِرَةِ وَتَرُدَّنِي إِلَى وَطَنِي وَتُبَلِّغَنِي نَهَايَةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي
وَتُجْعَلَ عَاقِبَةُ أَمْرِي مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً وَتُجْعَلَنِي رَحِيبَ الصُّدْرِ وَاسِعِ
الْحَالِ حَسَنَ الْخُلُقِ بَعِيداً مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنَعِ وَالنَّفَاقِ وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتِ
وَقَوْلِ الزُّورِ وَتُرْسِخَ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشَيْعَتِهِمْ وَتُخَرِّسَنِي

يَا رَبِّ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْل خِزَانَتِي وَإِخْوَانِي وَأَهْل مَوَدَّتِي
وَدُرِّيَّتِي بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِي عِنْدَكَ وَقَدْ اسْتَكْتَرْتُهَا لِلرُّؤْيَى
وَشَحِي وَهِيَ عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ فَأَسْأَلُكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ
وَأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِمَا أُوجِبَتْ لَهُمْ
وَبِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ عِبَادِكَ
وَبِأَسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لِمَا قَضَيْتَهَا كُلَّهَا وَأَسْأَلُكَ بِهَا وَلَمْ تُحِبِّبْ أَمَلِي
وَرَجَائِي اللَّهُمَّ وَشَفَّعْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِيَّ يَا سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ
أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا بِحَقِّ آبَائِكَ
الطَّاهِرِينَ وَبِحَقِّ أَوْلَادِكَ الْمُنتَجِبِينَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَائُهُ
الْمَنْزِلَةَ الشَّرِيفَةَ وَالْمَرْتَبَةَ الْجَلِيلَةَ وَالْجَاهَ الْعَرِيفَ اللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ
مَنْ هُوَ أَوْجُهُ عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْأَمَامِ وَمِنْ آبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ (عليهم
السلام) وَالصَّلَاةُ لَجَعَلْتَهُمْ شُفَعَاءِي وَقَدَّمْتَهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَاتِي هَذِهِ
فَاسْمَعْ مِنِّي وَاسْتَجِبْ لِي وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اللَّهُمَّ وَمَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْئَلَتِي وَعَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتِي وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ
صَالِحِ دِينِي وَدُنْيَائِي وَآخِرَتِي فَاثْمُنْ بِي عَلَيَّ وَاحْفَظْنِي وَآخِرُسْنِي وَهَبْ لِي
وَاعْفِرْ لِي وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ
أَوْ مُخَالَفٍ فِي دِينٍ أَوْ مُنَازِعٍ فِي دُنْيَا أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً أَوْ ظَالِمٍ أَوْ
بَاغٍ فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَأَشْغَلْهُ عَنِّي بِنَفْسِهِ وَاكْفِنِي شَرَّهُ
وَشَرَّ أَتْبَاعِهِ وَشَيْطَانِيهِ وَأَجْزِنِي مِنْ كُلِّ مَا يَصْرُئُنِي وَيُجْحِفُ بِي وَأَعْطِنِي جَمِيعَ
الْخَيْرِ كُلِّهِ مِمَّا أَعْلَمُ وَمِمَّا لَا أَعْلَمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي وَأَخْوَالِي وَخَالَاتِي
وَأَجْدَادِي وَجَدَّاتِي وَأَوْلَادِهِمْ وَدَّرَارِيهِمْ وَأَزْوَاجِي وَدُرِّيَّاتِي وَأَقْرَبَائِي
وَأَصْدِقَائِي وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فِيكَ مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْمَغْرِبِ وَلِجَمِيعِ أَهْلِ
مَوَدَّتِي مِنْ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَلِجَمِيعِ مَنْ
عَلَّمَنِي خَيْرًا أَوْ تَعَلَّمَ مِنِّي عِلْمًا اللَّهُمَّ أَشْرِكُهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَزِيَارَتِي
لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَشْرِكْنِي فِي صَالِحِ ادْعِيَّتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَبَلِّغْ وَلِيِّكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
يَا سَيِّدِي يَا مَوْلَايَ يَا «فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ» صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَنْتَ
وَسَيَّلْتَنِي إِلَى اللَّهِ وَدَرِيغْتَنِي إِلَيْهِ وَلِي حَقٌّ مُوَالَاتِي وَتَأْمِيلِي فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلَى قِصَّتِي هَذِهِ وَصَرَفِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِالنُّجْحِ بِمَا
سَأَلْتُهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ اللَّهُمَّ أَرْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَلُبّاً رَاجِحاً وَعِزّاً

باقياً وقلباً زكياً وعملاً كثيراً وأدباً بارعاً وأجعل ذلك كله لي ولا تجعله عليّ برحمتك يا أرحم الراحمين».

زيارت حضرت حمزه (عليه السلام)

مُستحب است زیارت حضرت حمزه (عليه السلام) و چون به زیارت آن حضرت رفتی نزد قبرش می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِباً، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ، وَ مُتَقَرِّباً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِباً إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحْقَاقِهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِباً مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزِعاً إِلَيْكَ رَجَاءً رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِباً فَكَافَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا أَسْحَطَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعاً يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عِزَّتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَحَثَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَذَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَعَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمَنِي طَلَبَ الْخَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوِيَهُمْ، وَلَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاهُمْ».

پس رو به قبله می کنی و دو رکعت نماز برای او هدیه کن، و می گویی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِيُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ وَسَخَطِكَ وَمَقْتِكَ فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ، وَتَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَمَتْ، وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ، وَإِنْ تُعَاقِبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَلَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلَا تُصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَعُدْ بِجَلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةِ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُزْمِي، وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَانظُرْ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، فَبِيهِمَا فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا يَهْوِنَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي، وَلَا تُحْجِبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي، وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي، يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ، وَيَا مُفْرَجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْخَيْرَانَ الْغَرِيقَ

المُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَانظُرْ إِلَى نَظْرَةٍ
 لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا، وَارْحَمْ تَضْرِعِي وَعَبْرَتِي وَانْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ،
 وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدَّ أَمَلِي، اَللَّهُمَّ إِنْ
 تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عِبْدِهِ وَجَزَاءُهُ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا أُخَيَّبَنَّ
 الْيَوْمَ، وَلَا تُصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيَّبَنَّ شُحُوصِي وَوِفَادَتِي، فَقَدْ أَنْفَدْتُ
 نَفْقَتِي، وَأَتَعَبْتُ بَدَنِي، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا
 خَوْلْتَنِي، وَأَثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي، وَلَذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
 آلِهِ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِجِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَى
 ذُنُوبِي، فَقَدْ عَظُمَ جُزْمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ».

زیارت وداع رسول اکرم (صلی الله علیه وآله)

هر گاه خواستی از مدینه بیرون آیی غسل کن، و برو نزد
 قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله)، و عمل کن آنچه را قبلاً
 انجام می دادی، پس وداع کن آن حضرت را، و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَ أَسْتَرْعِيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ
 السَّلَامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِمَا جِئْتُ بِهِ وَذَلَّلْتُ عَلَيْهِ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
 الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي
 مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا
 عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ».

زیارت وداع ائمه بقیع (علیهم السلام)

مرحوم شیخ طوسی و سید بن طاوس گفته اند که چون خواستی
 ائمه بقیع (علیهم السلام) را وداع کنی، بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ
 عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ ذَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ،
 اَللَّهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ».

پس دعا بسپار کن، و از خدا سؤال کن که بار دیگر تو را
 به زیارت ایشان برگرداند، و این آخرین عهد و زیارت تو
 نباشد.

دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه

بشر و بشیر، فرزندان غالب، می گویند در عرفه خدمت
 حضرت امام حسین (علیه السلام) بودیم، آن حضرت با اهل بیت
 و فرزندان و پیروانش از خیمه خارج شده، با نهایت تذلل و
 خشوع، در دامنه کوه ایستاد و روی مبارک را به سوی کعبه

گردانید و دستها را برابر زُو برداشته، و این دعا را خواندند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُّ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، جَازَى كُلَّ صَانِعٍ، وَرَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاجِمٌ كُلَّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَغْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَرْغَبُ اِلَيْكَ، وَاَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقِرّاً بِاَنَّكَ رَبِّى، وَ اِلَيْكَ مَرْدِى، اِبْتَدَاْتَنِ بِبِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُوْنَ شَيْئاً مَذْكُوراً، وَخَلَقْتَنِى مِنْ التُّرَابِ ثُمَّ اَسْكَنْتَنِى الْاَصْلَابَ، اَمِناً لِزَيْبِ الْمَثُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّنِينَ، فَلَمْ اَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبِ اِلَى رَحِمِ فِى تَقَادُمِ مِنَ الْاَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِى لِزَاقَتِكَ بى، وَلُطْفِكَ لى، وَاِحْسَانِكَ اِلَى فِى ذُوْلَةِ اَئِمَّةِ الْكُفْرِ، الَّذِيْنَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ اَخْرَجْتَنِى لِبُدَى سَبَقَ لى مِنْ الْهُدَى الَّذِى لَهٗ يَسَّرْتَنِى، وَفِيهِ اَنْشَأْتَنِى، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكِ رُوِّفْتَ بى، بِجَمِيْلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِى مِنْ مَنِّى يُمْنِى، وَاسْكَنْتَنِى فِى ظُلُمَاتِ ثَلَاثِ، بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِى خَلْقِى، وَلَمْ تُجْعَلْ اِلَى شَيْئاً مِنْ اَمْرِى، ثُمَّ اَخْرَجْتَنِى لِبُدَى سَبَقَ لى مِنْ الْهُدَى اِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً، وَحَفِظْتَنِى فِى الْمَهْدِ طِفْلاً ضَيِّباً، وَرَزَقْتَنِى مِنَ الْغَدَاءِ لَبِناً مَرِيّاً، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِى الْاُمّهَاتِ الرَّوَاجِمِ، وَكَلَّأْتَنِى مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِى مِنَ الرِّيَاذَةِ وَالنَّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيْمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى اِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقاً بِالْكَلَامِ، اَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْاِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِى زَائِداً فِى كُلِّ عَامٍ، حَتَّى اِذَا اَكْتَمَلْتُ فِطْرَتِى، وَاعْتَدَلْتُ مِرْتِى، اَوْجِبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِاَنَّ اَلْهَمَّتَنِى مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِى بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَايَقْظَتَنِى لِمَا ذَرَأْتَ فِى سَمَائِكَ وَارْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنِى لَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَاَوْجِبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِى مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لى تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِى جَمِيْعِ ذَلِكِ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ اِذْ خَلَقْتَنِى مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لى يَا اِلَهَى نِعْمَةً دُونَ اُخْرَى، وَرَزَقْتَنِى مِنْ اَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنَّكَ الْعَظِيْمِ الْاَعْظَمِ عَلَيَّ، وَاحْسَانِكَ الْقَدِيْمِ اِلَى، حَتَّى اِذَا اَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيْعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنِّى كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِى وَجُرْأَتِى عَلَيْكَ اَنْ دَلَلْتَنِى اِلَى مَا يُقْرَبُنِى اِلَيْكَ، وَوَقَّعْتَنِى لِمَا يُزَلِّفُنِى لَدَيْكَ، فَاِنْ دَعَوْتُكَ

أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي،
كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِإِنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِي
مُعِيدِ حَمِيدِ حَمِيدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظَّمْتَ الْاَوْكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي
أُحْصِي عَدَدًا وَذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْرًا، وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ
مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ
وَدَرَأْتَ عَنِّي، اَللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ
وَالسَّرَاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيْقَةِ اِيْمَانِي، وَعَقْدِ عَزْمَاتِي يَقِيْنِي،
وَخَالِيصِ صَرِيحِ تَوْحِيْدِي، وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيْرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي،
وَأَسَارِيْرِ صَفْحَةِ جَبِيْنِي، وَخُرْقِ مَسَارِيْرِ نَفْسِي، وَخَذَارِيْفِ مَارِنِ عِزِّيْنِي،
وَمَسَارِيْرِ سِمَاحِ سَمْعِي، وَمَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفْتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي،
وَمَغْزِزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاحِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَحِمَالَةِ
أُمَّ رَاسِي، وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي،
وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِيْنِي، وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَاحِ خَوَاشِي كَيْدِي، وَمَا خَوْتُهُ
شِرَاسِيْفِ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي، وَقَبْضِ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ اِنْمَالِي،
وَلَحْمِي، وَدَمِي، وَشَعْرِي، وَبَشْرِي، وَعَضْبِي، وَقَصْبِي، وَعِظَامِي، وَمُخِّي، وَعُزُوقِي،
وَجَمِيْعِ جَوَارِحِي، وَمَا انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْاَرْضُ
مِيْنِي، وَنُومِي، وَيَنْقَطَّتِي، وَسُكُونِي، وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ
وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْاَعْصَارِ وَالْاَحْقَابِ، لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ
أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرِكَ اَبْدًا جَدِيْدًا،
وَتِنَاءً طَارِفًا عَتِيْدًا، اَجَلٌ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ اِنْمَاكَ أَنْ
تُحْصِيَ مَدَى اِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ اِنْفِهِ مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَلَا اَحْصَيْنَاهُ اَمْدًا،
هَيْهَاتَ اَنْتَى ذَلِكَ، وَأَنْتَ الْمُخَيِّرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبَأُ الصَّادِقِ، وَإِنْ
تَعَدُّوا نِعْمَةَ اَللّٰهِ لَا تُحْصُوْهَا، صَدَقَ كِتَابُكَ اَللّٰهُمَّ وَاِنْبَاؤُكَ، وَبَلَّغْتَ اَنْبِيَاؤُكَ
وَرُسُلُكَ مَا اَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِيْنِكَ، عَيْرَ اَنْتَى
يَا اِلَهِي اَشْهَدُ بِحُجُوْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوَسْعِي، وَاَقُوْلُ مُؤْمِنًا
مُوقِنًا، اَلْحَمْدُ لِاَللّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُوْنُ مَوْرُوْثًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
شَرِيْكٌ فِي مَلِكِيْهِ فَيُضَادَّدُ هُ فِيْمَا اِبْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُرْفِدُهُ فِيْمَا
صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيْهِمَا اِلَهَةٌ اِلَّا اَللّٰهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا،
سُبْحَانَ اَللّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
كُفُوًا اَحَدٌ، اَلْحَمْدُ لِاَللّٰهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِيْهِ الْمُقَرَّبِيْنَ، وَاَنْبِيَايِهِ
الْمُرْسَلِيْنَ، وَصَلَّى اَللّٰهُ عَلَيَّ خِيْرَتِيْهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ وَآلِهِ الطَّيِّبِيْنَ
الطَّاهِرِيْنَ الْمُخْلِصِيْنَ وَسَلَّم».

پس آن حضرت شروع به سؤال کرد و به دعا کردن اهتمام نمود، در حالی که اشک از دیدگان مبارکش جاری بود، پس گفت:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَلَا تُشْفِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَائِي فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينِ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَأْرِبِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَاخْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكْ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً رَحِمَةً بِي، وَقَدَكُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيّاً، رَبِّ يَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ يَا أَنشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ يَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافِيَتَنِي، رَبِّ يَا كَلَّأْتَنِي وَوَقَفْتَنِي، رَبِّ يَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ يَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ يَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ يَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ يَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ يَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَتَجَنِّي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْأَخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَاقْنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُفْنِي، وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَيَذْئُوبِي فَلَا تَفْضُخْنِي، وَبِسْرِيَّتِي فَلَا تُخْرِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي، وَبِعَمَلِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي، إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْأَجْرِيَيْنِ، أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنَزِلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبِرَكَةَ،

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الدُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ
النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا
صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي
وَالِهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ
وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَهِ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ
وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلِ كَهيعص وَطه ويس وَالْقُرْآنِ
الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضَ
بِرُخْبِهَا، وَلَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْ لَا
سَتْرُكَ إِيَّائِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَ
لَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّائِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوءِ
وَالرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْرَهُ يَعْتَرُونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَدَلَّةِ
عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي
الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالْدُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلمُ كَيْفَ هُوَ
إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ
كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ
الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسُفَ
فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا
رَادَّةً عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ
الصَّرِّ وَالْبَلْوى عَنْ أَيُّوبَ، وَمُمْسِكِ يَدَيْ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ
سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمْرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ
فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي
إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ
الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ
خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ عَدُوا فِي نِعْمَتِهِ
يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادَّوهُ وَنَادَّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ
يَا اللَّهُ يَا بَدِيْعُ لَا نَدْلَكَ، يَا دَائِمًا لَا تَفَادُ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا
حَيَّ، يَا مُخَيِّئِ الْمَوْتِي، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ
قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ
الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي،
يَا مَنْ أَيْدِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى، وَنِعْمَتُهُ لَا تُجَازَى، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ
وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْأَسَاءَةِ وَالْعِضْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ
أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْأَمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَعُزِيَانًا
فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَأَشْبَعْنِي، وَعَطْشَانًا فَأَرَوَانِي، وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا

فَعَرَفَنِي، وَ وَحِيداً فَكَثَّرَنِي، وَغَائِباً فَرَدَدَنِي، وَمُقِلّاً فَأَغْنَانِي، وَمُنْتَصِراً
فَنَصَّرَنِي، وَغَنِيّاً فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي، فَلَكَ
الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ
عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَّرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ
وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مِنْجِكَ لَا أَحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي
أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ
الَّذِي أَكَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ
الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتِ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ
الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ
الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ
الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَّرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ
الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِماً،
وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِباً أَبَداً، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا
لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي
جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اغْتَمَدْتُ، أَنَا
الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَلْتُ،
أَنَا الَّذِي أَفْرَزْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبِؤُ
بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنْ
طَاعَتِهِمْ، وَالْمُوفِّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ
إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَأَصْبَحْتُ
لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةَ فَأَنْتَصِرُ، فَيَأْتِي شَيْءٌ اسْتَقْبَلْتُكَ يَا
مَوْلَايَ، أَيْسَمَعِي أَمْ يَبْصُرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا
نِعْمَكَ عِنْدِي، وَيَكُلُّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ
سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْأَخْوَانِ أَنْ
يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ أَطْلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا
أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَوْ قَفَضُونِي وَقَطَعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا
يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةِ
فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذُو قُوَّةَ فَأَنْتَصِرُ، وَلَا حُجَّةَ فَأَحْتَجُّ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ
وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءاً وَمَا عَسَى الْجُحُودُ، وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ
وَأَنْتَى ذَلِكَ، وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِيناً غَيْرَ
ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَأَلْتَنِي مِنَ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكْمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ،
وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تَعَدَّبْتَنِي يَا إِلَهِي فَيَذُنُوبِي
بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَغَفَّرْتَ عَنِّي فَيَجْلِمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْمُسْتَغْفِرِينَ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحَّدِينَ، لا إِلَهَ إِلا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْوَجِلِينَ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْمُهَلِّينَ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لا إِلَهَ إِلا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
الْمُكْبِّرِينَ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوْلِيَّينَ، اَللّهُمَّ هَذَا
ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِيَذْكُرَكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي بِإِلَاحِيَّتِكَ مُعَدِّدًا،
وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا بِأَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا
إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ
الْعُمُرِ مِنَ الْأَغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشَفَ الضَّرَّ وَتَسْبِيحِ الْيُسْرِ وَدَفَعَ الْعُسْرَ
وَتَفْرِيحِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى
قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَّينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ
عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُخْصِي الْأَوْكَ، وَلَا
يُبْلَغُ ثَنَاءُكَ، وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتِمِّمْ
عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ، اَللّهُمَّ إِنَّكَ
تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتُكْشِفُ السُّوءَ، وَتُغَيِّثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي
الْفَقِيرَ، وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ
ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطَلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ،
يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ
وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا
أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّيهَا، وَ الْإِءِ تَجِدُّهَا، وَبَلِيَّةٍ
تَضْرِفُهَا، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَةٍ
تَتَغَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ يَمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّهُمَّ إِنَّكَ
أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ
مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا
سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَاجِبْتَنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ
فَرَحِمْتَنِي، وَوَقِفْتُ بِكَ فَجَنَيْتَنِي، وَفَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي، اَللّهُمَّ فَضَّلْ عَلَى
مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ
لَنَا نِعْمَاتِكَ، وَهَنِّئْنَا عَطَاكَ، وَاكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلا إِلَهَ إِلا أَنْتَ يَا
امِينَ امِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ، وَقَدَرَ فَقَهَرَ، وَعَصِيَ
فَسْتَرَ، وَاسْتُغْفِرَ فَعَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ

الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ، رَافِقَهُ وَرَحْمَهُ
وَجِلْمًا، اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا
بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَآمِينَكَ عَلَيَّ وَخِيكَ، الْبَشِيرِ
النَّذِيرِ، السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ
رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ اَهْلٌ لِّذَلِكَ
مِنْكَ يَا عَظِيمٌ، فَصَلِّ عَلَيَّ وَعَلَى اِلِهِ الْمُتَتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَالَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ،
فاجعل لنا اللهم في هذه العشيّة نصيباً من كلّ خير تقسمه بين عبادك،
وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَبِرَكَّةٍ تُنَزِّلُهَا، وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ
تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ
مُفْلِحِينَ، مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخَلِّبْنَا مِنْ
رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ،
وَلَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدُّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ
مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، اِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ،
وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا، وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا،
وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا اِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذِلَّةِ الْأَعْتِرَافِ
مُوسِمَةٌ، اَللّٰهُمَّ فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا مَا
اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِدُ فِينَا حُكْمَكَ،
مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قِضَاؤُكَ، إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ
الْخَيْرِ، اَللّٰهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَكَرِيمِ الدُّخْرِ وَدَوَامِ
الْيُسْرِ، وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تُصْرِفْ
عَنَّا رَافِقَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ
مِمَّنْ سَأَلْنَاكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتَابَ اِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ اِلَيْكَ مِنْ
ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ
وَنَقْنَا وَسَدَدْنَا، وَأَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْجِمَ،
يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعَيْونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي
الْمَكْنُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ
عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ جِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا،
تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ
بِحَمْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ
وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيْدِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ،
اَللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَ آمِنِ خَوْفِي

وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اَللّٰهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي،
وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ».

پس سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند کرد و از دیدگان مبارکش مانند دو مشک اشک جاری بود. آن گاه به صدای بلند گفت:

«يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ، وَاسْئَلْكَ اَللّٰهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي اِنْ اَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَاِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا اَعْطَيْتَنِي، اَسْئَلُكَ فَكَافِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لِاِنَّهُ اِلَّا اَنْتَ وَحَدِّكَ لِشَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ، وَاَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبُّ يَا رَبُّ».

پس مکرر می گفت «یا رب».

دعای کمیل

دعای کمیل از ادعیه معروف است و حضرت علی (علیه السلام) آن را به کمیل، که از خواص اصحاب آن حضرت بوده است، تعلیم فرموده است. این دعا در شبهای نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده می شود و آن دعای شریف این است:

«اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ خَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ ذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ يَجْبِرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُوْمُ لَهَا شَيْءٌ، وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي اَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ، يَا نُورِ يَا قُدُّوسُ، يَا اَوَّلَ الْاَوَّلِيْنَ وَيَا اٰخِرَ الْاٰخِرِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوْبَ الَّتِي تَهَيْتُكَ الْعِصْمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوْبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقْمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوْبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوْبَ الَّتِي تُحْيِي الدُّعَاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوْبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَ كُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَى نَفْسِكَ، وَ اَسْئَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَ اَنْ تُوَرِّعَنِي شُكْرَكَ، وَ اَنْ تُلْهَمَنِي ذِكْرَكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ سُوْالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ، اَنْ تُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي وَ تَجْعَلَنِي بِبِقِ سَمِيكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَ فِي جَمِيْعِ الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا، اَللّٰهُمَّ وَ اَسْئَلُكَ سُوْالَ مَنْ اَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ اَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَ عَظُمَ فِيْمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ، اَللّٰهُمَّ عَظُمَ

سُلْطَانُكَ، وَعَلَا مَكَانُكَ، وَخَفِيَ مَكْرُكَ، وَظَهَرَ أَمْرُكَ، وَعَلَبَ قَهْرُكَ، وَجَزَتْ
قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اَللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا
لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا غَيْرَكَ، لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي، وَسَكَنْتُ إِلَى
قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنْتَ عَلَيَّ، اَللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ
فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عِنَارٍ وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ،
وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ، اَللَّهُمَّ عَظْمَ بِلَائِي، وَأَفْرَطَ بِي
سُوءِ حَالِي، وَقَصُرْتَ بِي أَعْمَالِي، وَقَعَدْتَ بِي أَغْلَالِي، وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ
أَمَلِي، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا، وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي،
فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي
بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتَهُ فِي
خَلَوَاتِي، مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي، وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ
شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي، وَكُنِ اَللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْاَحْوَالِ رُؤْفًا، وَعَلَيَّ فِي
جَمِيعِ الْاُمُورِ عَطُوفًا، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشَفَ ضُرِّي، وَالنَّظَرَ
فِي أَمْرِي، إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اِتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَلَمْ
أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ،
فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ، فَلَكَ
الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي فِيهَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ،
وَالزَّمَنِي حُكْمَكَ وَبِلَاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَيَّ
نَفْسِي، مُغْتَدِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُدْعِنًا
مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي،
غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي، وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، اَللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي،
وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكِّنِي مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ
جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَزْيِينِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَتِي،
هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بِرِّكَ بِي، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَثْرَاكَ
مُعَذَّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ،
وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي
وَدُعَائِي، خَاضِعًا لِزُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ، أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ،
أَوْ تُبَعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوْيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ
كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي، وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ أَتَسَلَّطَ النَّارَ عَلَيَّ
وُجُوهَ خَزَتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى أَلْسُنِ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ
مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبِ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً، وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ
بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحِ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً،

وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا أُخِيرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ،
 يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا،
 وَمَا يَجْرَى فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ،
 قَلِيلٌ مَكْنُوءٌ، يَسِيرٌ بِقَاتِنُهُ، قَصِيرٌ مُدْتَنُهُ، فَكَيْفَ اخْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْأَجْرَةِ،
 وَجَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدْتَنُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا
 يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا لَا
 تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي، فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ
 الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ، يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي
 وَمَوْلَايَ، لِإِيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِمَا مِنْهَا أَضِجُ وَأَبْكِي، لِإِلِيمِ الْعَذَابِ
 وَشِدَّتِهِ، أَمْ لِيَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدْتَنِهِ، فَلَمَّا صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ،
 وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ، وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ
 فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى
 فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي يَا إِلَهِي، صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنْ النَّظَرِ إِلَى
 كِرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ، فَيَعْرِزُكَ يَا سَيِّدِي
 وَمَوْلَايَ، أَفَسِيمٌ صَادِقًا، لَمَّا تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَا صُجُنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجُ
 الْأَمِلِينَ، وَلَا صُرُخَنَ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَلَا بُكْيَنَ عَلَيْكَ بُكَاءَ
 الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَتَكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ أَمَالِ
 الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ
 الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ
 سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَخِيسَ بَيْنَ
 أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ
 بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي
 الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُوا مَا سَلَفَ مِنْ جَلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمَلُ
 فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبَتِهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ
 كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ
 أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ رَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا
 رَبُّهُ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَثْرُكُهُ فِيهَا، هَيْهَاتَ، مَا ذَلِكَ
 الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشِيهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ مِنْ
 بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَيَالَيْتَيْنِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ،
 وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِيدِكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ
 لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مَقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، أَفَسَمْتِ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ
 الْكَافِرِينَ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَ أَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِيدِينَ،
 وَأَنْتَ جَلُّ ثَنَاؤِكَ قُلْتَ مُبْتَدِيًّا، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا، أَفَمَنْ كَانَ

مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي
قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَعَلِبْتُ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا،
أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ، كُلَّ جُزْمِ أَجْرَمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبِ
أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحِ أَسْرَزْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلِ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَغْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ
أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ
وَكَلَّتْهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ شُهوداً عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتُ أَنْتَ
الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ،
وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتُهُ، وَأَنْ تُوقِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانَ فَضْلْتُهُ،
أَوْ بِيْرَ نَشْرْتُهُ، أَوْ رِزْقَ بَسْطْتُهُ، أَوْ ذَنْبَ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَأَ تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ
يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِقِّي، يَا مَنْ
بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي، يَا عَلِيماً بِيضْرِي وَمَسْكَنَتِي، يَا خَبِيراً بِفَقْرِي وَفَاقَتِي، يَا
رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ
أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْضُوعَةً، وَأَعْمَالِي
عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِزْقاً وَاحِداً، وَحَالِي فِي
خِدْمَتِكَ سَرْمِداً، يَا سَيِّدِي، يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ
أَحْوَالِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ
عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ
بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ
فِي الْبَارِزِينَ، وَأَشْتَاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ، وَأَذْنُو مِنْكَ ذُنُوءَ
الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعُ فِي جَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ،
اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءِ قَارِدَةٍ وَمَنْ كَادَنِي فِكْدَةً، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ
عَبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِيهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ رُزْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا
يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي
بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً، وَمَنْ عَلَيَّ بِخُسْنِ
إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ
بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَصَمِنْتَ لَهُمْ الْأَجَابَةَ، فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ
وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي
مُنَائِي، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْأَنْسِ مِنْ أَعْدَائِي،
يَا سَرِيعَ الرِّضَا، اعْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ
يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ
الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النُّعْمِ، يَا دَافِعَ النُّقْمِ، يَا نُورَ
الْمُسْتَوْجِسِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا عَلِيماً لَا يُعْلَمُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدَ،

وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأُمَّةِ الْمَيَامِينَ مِنْ
الْبِهِ، وَسَلِّمْ تَسْلِيماً كَثِيراً».

سفيد

سفيد